



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

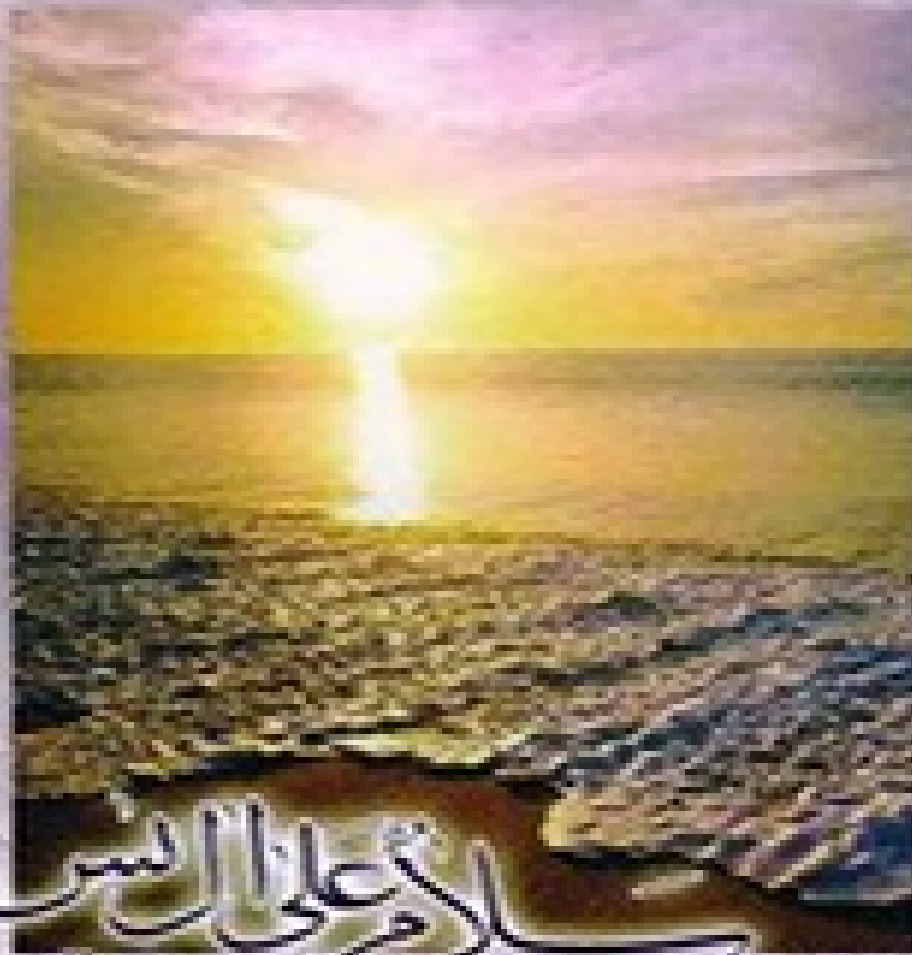
.org

.net

.ir

زیارت آلِ سِیِّد

نظریہ مقصد جاہرانا



سیدنا علیؑ

اصغر طاہر زادہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت آل یس: نظر به مقصد جان هر انسان

نویسنده:

اصغر طاهرزاده

ناشر چاپی:

لب المیزان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	زیارت آل یس: نظر به مقصد جان هر انسان
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۶	مقدمه
۱۸	مقدمه مولف
۲۰	زیارت آل یس
۲۳	معرفت؛ هدف خلقت
۲۵	عالی ترین معرفت، معرفت به امام علیه السلام
۲۸	اهمیت شناخت امام علیه السلام
۳۳	چگونگی شناخت امام علیه السلام
۳۶	امام، اصل عالم و آدم
۳۸	رؤیت در منظر زیارت آل یاسین
۴۰	امام زمان عجل الله تعالی فرجه مظهر اسم «الله»
۴۵	خودش، خودش را می شناساند
۴۷	امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ راه ورود به کتاب خدا
۴۸	بهترین شرایط ارتباط با خدا
۵۱	معنی مقام بقیه الله
۵۲	امام زمان عجل الله تعالی فرجه حقیقت جان هر انسان
۵۵	امام زمان عجل الله تعالی فرجه وعده حتمی خداوند
۶۰	نظر به کامل ترین نماز
۶۱	نظر به کامل ترین تشهد و سلام
۶۲	نماز؛ واقعی ترین کلمات

- ۶۴ امام علیه السلام نمایش کامل ترین نماز
- ۶۵ سلام بر راز رکوع و سجود
- ۶۷ آیینه نمایش توحید
- ۶۸ امام علیه السلام نمایش کامل ترین حمد و استغفار
- ۶۹ امام زمان عجل الله تعالی فرجه ؛ حاکم شب و روز
- ۷۴ امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ معنی شب و روز
- ۷۵ امام زمان عجل الله تعالی فرجه ؛ حامل اسماء الهی
- ۷۷ امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ آرمان بلند انسان
- ۷۸ اظهار عقاید حق برای هم سنخی
- ۸۰ معیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه با همه چیز
- ۸۲ توجه به رجعت، عامل نجات از ظلمت
- ۸۳ هم دلی با امام
- ۸۵ ما هم از مستان این می بوده ایم
- ۸۶ برکات حضور امام علیه السلام در زندگی
- ۸۸ عالی ترین تقاضا، در اوج امیدواری
- ۹۱ بر عاشقان فریضه بود جستجوی دوست
- ۹۴ امام زمان عجل الله تعالی فرجه ؛ مقصد جان ما
- ۹۹ تقاضای رفع موانع ظهور
- ۱۰۰ احساس مسؤولیت نسبت به موفقیت امام علیه السلام
- ۱۰۵ تقاضای تحقق تمدن اسلامی
- ۱۰۸ باز سلامی دیگر
- ۱۰۹ امام علیه السلام مظهر اسم هادی
- ۱۱۱ شب پانزده شعبان، نور علی نور
- ۱۱۵ امام زمان عجل الله تعالی فرجه منتظر آمدگی ما هستند
- ۱۱۹ آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده
- ۱۲۰ درباره مرکز

زیارت آل یس: نظر به مقصد جان هر انسان

مشخصات کتاب

سرشناسه: طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -

عنوان قراردادی: زیارتنامه آل یاسین. شرح

عنوان و نام پدیدآور: زیارت آل یس: نظر به مقصد جان هر انسان / اصغر طاهرزاده.

مشخصات نشر: اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص؛ ۵/۱۱ × ۲۰ س م.

شابک: ۷۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۹-۰۰۰-۰؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ ششم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۸.

یادداشت: چاپ ششم: ۱۳۹۱.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: نظر به مقصد جان هر انسان.

موضوع: زیارتنامه آل یاسین -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره: BP۲۷۱/۷ / ۷۰۴۲۲۲ ط ۲۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۵۱۵۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

زیارت آل یس نظر به مقصد جان هر انسان

اصغر طاهرزاده

۱۳۸۵

ص: ۳

فهرست مطالب

معرفت؛ هدف خلقت ۱۴

عالی ترین معرفت، معرفت به امام علیه السلام ۱۶

اهمیت شناخت امام علیه السلام ۱۹

چگونگی شناخت امام علیه السلام ۲۴

امام، اصل عالم و آدم ۲۷

رؤیت در منظر زیارت آل یاسین ۲۹

امام زمان عجل الله تعالی فرجه مظهر اسم «الله» ۳۱

خودش، خودش را می شناساند ۳۶

امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ راه ورود به کتاب خدا ۳۸

بهترین شرایط ارتباط با خدا ۳۹

معنی مقام بقیه الله ۴۲

امام زمان عجل الله تعالی فرجه حقیقت جان هر انسان ۴۴

امام زمان عجل الله تعالی فرجه وعده حتمی خداوند ۴۶

نظر به کامل ترین نماز ۵۱

نظر به کامل ترین تشهد و سلام ۵۲

نماز؛ واقعی ترین کلمات ۵۳

امام علیه السلام نمایش کامل ترین نماز ۵۵

سلام بر راز رکوع و سجود ۵۶

آینه نمایش توحید ۵۸

امام عليه السلام نمايش كامل ترين حمد و استغفار ۵۹

ص: ۵

امام زمان عجل الله تعالى فرجه ؛ حاکم شب و روز ۶۰

امام زمان عجل الله تعالى فرجه؛ معنی شب و روز ۶۳

امام زمان عجل الله تعالى فرجه ؛ حامل اسماء الهی ۶۴

امام زمان عجل الله تعالى فرجه؛ آرمان بلند انسان ۶۶

اظهار عقاید حق برای هم سنخی ۶۸

معیت امام زمان عجل الله تعالى فرجه با همه چیز ۷۰

توجه به رجعت، عامل نجات از ظلمت ۷۲

هم دلی با امام ۷۳

ما هم از مستان این می بوده ایم ۷۴

برکات حضور امام علیه السلام در زندگی ۷۶

عالی ترین تقاضا، در اوج امیدواری ۷۸

بر عاشقان فریضه بود جستجوی دوست ۸۱

امام زمان عجل الله تعالى فرجه ؛ مقصد جان ما ۸۳

تقاضای رفع موانع ظهور ۸۸

احساس مسؤلیت نسبت به موفقیت امام علیه السلام ۹۰

تقاضای تحقق تمدن اسلامی ۹۳

باز سلامی دیگر ۹۶

امام علیه السلام مظهر اسم هادی ۹۸

شب پانزده شعبان، نور علی نور ۹۹

امام زمان عجل الله تعالى فرجه منتظر آمادگی ما هستند ۱۰۳

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده ۱۰۷

ص: ۶

کتابی که در اختیار دارید حاصل سخنرانی استاد طاهرزاده در شب پانزده شعبان است، و تلاشی است برای روشن شدن معنی حقیقی ملاقات و رؤیت مقام معنوی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به همان طریقی که خودشان به ما آموزش داده اند، که پس از پیاده شدن سخنرانی از نوار و تصحیح و تکمیل مطالب آن توسط سخنران محترم، به صورت این نوشته در اختیار خوانندگان محترم قرار می دهیم.

همچنان که ملاحظه خواهید کرد محتوای زیارت آل یس از معارف فوق العاده بلندی برخوردار است و ضرورت دارد که به کمک شروح مختلف و مفصل بدان پرداخته شود و سخنران محترم با شرح مختصر خود، ما را متوجه این موضوع نموده اند،

و همچنان که خودشان اظهار می‌دارند در این شرح سعی شده مطالب در نهایت اختصار بیان شود تا اتصال خواننده با اصل متن زیارت محفوظ بماند، ولی چنانچه مایل بودید موضوع را به طور مفصل دنبال کنید به دیگر آثار ایشان در رابطه با معارف مهدویت و مقام واسطه فیض بودن حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه رجوع فرمایید.

به امید آن که توانسته باشیم قدمی در احیاء فرهنگ و یاد اهل البیت علیهم السلام برداشته باشیم.

گروه فرهنگی المیزان

ص: ۸

معنی حقیقی زیارت یا ملاقات حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به آن صورتی است که خود حضرت عجل الله تعالی فرجه به ما آموخته اند. آن گاه که قبل از آموزش زیارت آل یاسین فرمودند: «هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خدا و به سوی ما، پس بگویید چنان که خدای تعالی فرمود: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَسِّ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا دَاعِیَ اللّٰهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ...». پس چنانچه ملاحظه می فرمایید خود حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه از طریق زیارت آل یاسین، راه ملاقات با وجود مقدس خود را به ما نشان داده اند، عمده درست برخورد کردن با آن راه و رسم است.

در شرح زیارت آل یاسین سعی شده است از طریق آن زیارت به حقیقت معنوی امام علیه السلام نظر کنیم و آن حضرت را با صفات مخصوص به خودشان مورد خطاب قرار دهیم و سپس از امام حیّ و حاضر، جوابی مناسب آن صفات بشنویم.

در این شرح همه تلاش برای تحقق چنین ملاقاتی است. به طوری که بتوانیم حقیقت امام را با تمام صفات ملاقات کنیم و آن حضرت نیز با تمام انوار مخصوص به خود جواب ملاقات ما را بدهند. و معنی ملاقات واقعی که به ما آموزش داده اند این نوع ملاقات است که بهره فراوانی نیز به همراه دارد.

خوانندگان عزیز عنایت داشته باشند که سعی شده مطالب در نهایت اختصار بیان شود، لذا شایسته است با دقت هرچه بیشتر به نکات مطرح شده توجه گردد.

طاهرزاده

ص: ۱۰

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ
 نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ
 أَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ
 الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْمُونُ وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَالْعَدَاغَةُ الْغَيْرُ الْمَكْدُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَزْكَعُ وَ
 تَسْتَجِدُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي
 اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ
 السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَ
 أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ
 وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ
 الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ
 آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَيُوتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ
 الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ
 شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَيِّدٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَيْدُوكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيَ يَتَمُوهُ وَ
 الْبَاطِلُ مَا أَسِيخَطُتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَانْفَسِي مُؤْمِنَهُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَآخِرُكُمْ وَنَصِيرَتِي مُعِيدَةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ وَبَعْدَ ذَلِكَ دَعَا خَوَانِدَهُ
 شُودِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صِدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ التَّيَّاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ
قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ الْبَصِيْرَةِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصِيْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ
الْمَوَالَةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى الْقَوَاكِ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ [رَحْمَتِكَ] يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ [مُحَمَّدٍ] حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَيَّ سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ النَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَ لِي
الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَ مُبِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُزْتَقِبِ الْخَائِفِ
وَ الْعَوْلِيِّ النَّاصِحِ سَيِّفِيهِ النَّجَاهِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ ابْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ مُجَلِّي الْعَمَى [الْغَمَاءِ] الَّذِي يَمْلَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَضَلْتَ
طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انصُرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ
وَ شَيْعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ
عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ
بِالنُّصْرِ وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ قَاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ
حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي
اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ اتِّبَاعِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عِدْوِهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ
آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الْأُمَمِ السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعِدْلِ الْمُشْتَهَرِ السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ) (۱)

سلام بر آن امامی که موجب احیاء مؤمنین و نابودی کافران خواهد شد. سلام بر مهدی امت، سلام بر قائم منتظر و عدل مورد نظر... سلام بر بقیه الله در هرجایی، که آن جا شهر خدا خواهد بود.

مقدمتاً تولد انسان کامل، حضرت بقیه الله اعظم، واسطه فیض، قطب عالم امکان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه را تبریک عرض می کنم و امیدوارم که تولد ایشان برای جان ما، بر که با برکتی باشد که ظرفیت ظهور همه اسماء الهی در آن ممکن گردد، زیرا که

ص: ۱۳

۱- مفاتیح الجنان قسمتی از زیارت مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه .

مقام حقیقی تعلیم همه اسماء الهی، مقام عظمای آن حضرت است.

بنده بنا دارم در این جلسه با طرح مقدمه ای در رابطه با امام شناسی، از طریق زیارت آل یاسین به زیارت و ملاقات امام عصر عجل الله تعالی فرجه برویم، ولی همچنان که خودتان مستحضرید، معرفت و شناخت مقام ائمه علیهم السلام شرط درست زیارت کردن آن عزیزان است. پس به مقدمه ای که عرض می کنم عنایت کافی بفرمایید.

معرفت؛ هدف خلقت

تصور عموم مردم این است که خداوند خلقشان کرده است تا از طریق یک زندگی عادی دینداری کنند و انتظار دیگری هم از آنها نیست. در حالی که مفسرین در تفسیر آیه «مَخْلَقَاتُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِلَّا لِيَعْبُدُون» (۱) که می فرماید: جن و انس را برای عبادت خلق کردیم. در تفسیر «لِيَعْبُدُون» فرموده اند: «لِيَعْرِفُون» یعنی برای معرفت. پس معنی آیه عبارت می شود از این که؛ خداوند می فرماید: انسان و جن را خلق کردیم تا اهل معرفت شوند. حال اگر متوجه باشیم که برای

ص: ۱۴

معرفت به حقایق عالیه خلق شده ایم، پس باید بپذیریم به اندازه ای که معرفت ما نسبت به حقایق عالیه و ذوات مقدسه پایین است، به همان اندازه از فلسفه خلقتمان دوریم و از نتیجه ای که باید از زندگی بگیریم، محروم هستیم. مثلاً درخت سیبی که باید میوه سیب بدهد، اگر میوه ای غیر از سیب بدهد، عملاً آنچه را اقتضای درخت سیب بودنش است انجام نداده است و دیگر آن درخت را به عنوان درخت سیب نمی توان شناخت. اگر انسان برای عبادت خلق شده است و عبادت هم باید با معرفت شروع شود و به معرفت بالا-تر ختم شود، پس هر کس به اندازه معرفتش به حقایق عالیه، به مقصد حقیقی خلقتش نزدیک شده و هر کس به اندازه ای که به مقصد خلقتش نزدیک نشده است، هر کار دیگری کرده باشد، کاری که باید بکند و از آن طریق به وجود خودش معنی بدهد، نکرده و عملاً همه کارهایش پوچ است. مثل درخت سیب که هر میوه دیگری بدهد، اگر میوه سیب ندهد، عملاً دیگر درخت سیب نیست، حالا شاخه و برگ بدهد ولی سیب ندهد، این درخت سیب نیست و نمی توان به آن درخت سیب گفت. انسانی هم که زندگی اش منجر به معرفت نسبت به حقایق نشود، عملاً معنی انسان بودن را از دست داده است.

البته توجه داشته باشید که عبادت صحیح منجر به قرب می شود و قرب یعنی اُنس بیشتر با حقایق عالیه و این خودش منجر به معرفت می شود، آن هم از بهترین نوع معرفت که همان معرفت حضوری است.

عالی ترین معرفت، معرفت به امام علیه السلام

از جمله موضوعاتی که در معارف دینی جایگاه بسیار بلندی دارد، امام شناسی یا معرفت به مقام امام است و درست به همان اندازه که جایگاه آن بلند است، دست یابی به آن آسان نیست، ولی از آن طرف هم برکات شناخت امام نامحدود است. عمده آن است که ما تصور نکنیم شناخت حقایق، کاری آسان و با اندک تأمل به دست آمدنی است. مگر خداشناسی آسان است که امام شناسی آسان باشد؟! این انتظار غلطی است که بدون تلاش لازم بخواهیم به معارف بلند دست پیدا کنیم. اگر مسئله ساده بود، نمی فرمودند: هدف از خلقت جن و انس، به دست آوردن معرفت است.

بسیار کم اند کسانی که خدا را لااقل در آن حدّی که خداست، بشناسند و پرستند. البته فعلاً بحث در رابطه با چگونگی شناخت خدا نیست، عرض بنده این است که بعضی ها آنچه می پرستند در حقیقت خدا نیست.

امام خمینی «رحمه الله علیه» می فرمودند: آیت الله حجت «رحمه الله علیه» فرموده بودند: «فلاینی کافر عادل است.» از ایشان پرسیده بودند: حاج آقا! اگر کافر است، چگونه عادل است؟ و اگر عادل است، چگونه کافر است؟ فرموده بودند: کافر است، چون خدایی که او می پرستد، خدای واقعی نیست، یک چیزی در ذهن خود ساخته است و می پرستد، اما عادل است، چون نمی خواهد حق بقیه را غصب کند. بعضی ها خدا را نمی پرستند و به واقع خدا ندارند و در حدی هم که می توانند خدا را بیابند، فکر نمی کنند. اعمال هر کس به اندازه معرفتش قبول می شود، حالا اگر کسی عقلش را به کار نبرد و متوجه حقایق عالیه نشود، باید حساب خود را خودش در این دنیا بکند که چه انتظاری در قبولی و نتیجه اعمالش باید داشته باشد. کسی که در حد شناختن صحیح خدا، فرصت برای خود ایجاد نکرد و در آن راستا تفکر نمود، هنوز به مرز انسانیت نرسیده است. خداشناسی کار می خواهد، زحمت می خواهد، فراغت می طلبد و بلکه واجب ترین امر است. البته عرض بنده این نیست که همه ما باید فیلسوف یا متکلم بشویم، ائمه علیهم السلام نه فیلسوف بودند و نه متکلم، ولی با قلب زلالی که داشتند و با رعایت کامل موازین شرعی، خداوند بر قلب آن ها تجلی نمود، آن هم تجلی کامل و تمام.

عزیزان می دانید که خدانشناسی از نماز، روزه و حج و...، از همه این ها واجب تر و مهم تر است. مسئله اوّل رساله های عملیه را مطالعه بفرمایید، می فرمایند: عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد. لذا است که روایات ما متذکر می شوند: اگر کسی اصول دین را قبول نداشته باشد، اصلاً عباداتش باطل است. مرحوم نراقی «رحمه الله علیه» در معراج السعاده می فرمایند: واجب ترین کار برای هر انسانی شناخت خداوند است. البته هر کس به مقدار وسعش باید تلاش کند. اما همه باید خدا را بشناسند، آن وقت، خدانشناسی که واجب ترین واجب هاست، برای روح و ذات و جان انسان بسیار لازم و مفید است. به نظر شما آیا کسانی که خدا را قبول ندارند، از آن جهت است که خیلی متفکرند و لذا متوجه شده اند خدا نیست، یا در این رابطه اصلاً فکر نکرده اند؟ این مسلم است که هر جا خدانشناسی هست، تفکر مطرح است و هر جا بی فکری و لاابالی گری هست، بی خدایی در صحنه است. شما یک نفر را پیدا نمی کنید که واقعاً از سر تفکر بگوید: به این دلیل خدا نیست. کسانی که منکر خدا هستند، به اندازه یک آدم معمولی هم فکر نکرده اند؛ که چون این مسئله روشن است از آن می گذریم.

علاوه بر معرفت به توحید و معاد و نبوت که باید نسبت به فهم درست هر کدام از آن‌ها اندیشه‌ها را به کار گرفت، مسئله امام شناسی و پیرو آن امام زمان شناسی است. اگر انتظار دارید بدون تفکر و تعمق و بدون داشتن مبانی عقلی، امام را بشناسید، مطمئن باشید چنین چیزی ممکن نیست. امام شناسی یک کار بزرگ عقلی و قلبی است، تا آن جایی که إن شاء الله بتوان از پرتو مقام معنوی ذوات مقدسه امامان برخوردار شد. پس اولین نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود، برنامه ریزی و آمادگی برای شناخت امام است، در حدی که آن را به عنوان یکی از کارهای اصلی فعالیت‌های دینی خود قلمداد کنیم. روایات بسیار موثق و خوبی در مورد وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه داریم که آن روایات، نور چشم ماست و عموماً سنی و شیعه آن‌ها را نقل کرده‌اند. این روایاتی که می‌گویند مهدی ائمه پیامبر صلی الله علیه و آله از قریش است و یازدهمین فرزند فاطمه زهرا علیها السلام و از نسل امام حسین علیه السلام است، همه این‌ها روایاتی است که در متون دینی شیعه و سنی بدان اشاره شده است؛ از جمله حدیث جابر بن عبدالله انصاری است که از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام هر یازده امام را تا حسن بن علی علیه السلام یعنی حضرت امام

عسگری علیه السلام نقل می کند، بعد حضرت می فرمایند: «و پس از او فرزندش است که نام و کنیه او با نام و کنیه من یکی است، و خداوند او را بر همه جهان حاکم می سازد و اوست که از نظر مردم پنهان می شود و غیبت او طولانی است تا آن جایی که فقط افرادی که ایمان آنان استوار و آزموده و عمیق است، بر عقیده خود در مورد امامت او باقی می مانند».(۱)

بنابراین از جهت متن روایاتی که نسبت به توجه به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه قابل اطمینان باشد هیچ مشکلی نداریم.(۲)

آنچه را باید عنایت داشته باشید این است که اصرار زیادی در متون روایی در «شناخت امام» شده است. راوی می فرماید: «سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ لَا يُعِيدُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ، لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْوَأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي فَسْطَاطِهِ»(۳) یعنی؛

ص: ۲۰

۱- «منتخب الاثر»، لطف الله صافی، ص ۱۰۱- «مناقب مرتضوی»، کشفی ترمذی حنفی، ص ۵۶.

۲- به کتاب هایی چون عباقات الانوار، المراجعات، الغدير، احقاق الحق و منتخب الاثر مراجعه شود که مجموعه ای از احادیث مربوط به حقانیت ائمه معصومین علیهم السلام را از کتاب های تفسیر و حدیث اهل سنت گرد آورده اند.

۳- بحار، ج ۲۳، ص ۷۷، حدیث ۶.

هر کس بمیرد و برای او امامی نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است و هیچ عذری از او در عدم شناخت امام قبول نمی شود، و اگر کسی بمیرد و امام زمان خود را بشناسد، جلو و عقب افتادن ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه به او ضرر نمی زند، و اگر کسی توانست امامش را بشناسد ولی مرگش قبل از ظهور حضرت فرا رسید، مثل کسی است که در خیمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه نشسته است، و باز در روایت دیگر دارد مثل کسی است که همراه امام می جنگد.»

ملاحظه می فرمایید که تأکید حضرت بر روی شناخت امام است و می فرمایند؛ هیچ عذری در عدم شناخت امام از کسی قبول نمی شود. پس اصلی ترین مسأله را باید در شناخت امام دانست.

در روایت مشهوری که سنّی و شیعه بر آن تأکید دارند هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ» (۱) یعنی؛ اگر کسی بمیرد و امام زمان خودش را درک نکند به مرگ جاهلیت مرده است.»

ص: ۲۱

۱- مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۹۶- مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۴ و ۲۳۵- صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲ (نقل از ترجمه الغدير ج ۲۰ ص ۲۴۲).

مسلم منظور از شناختن امام زمان عجل الله تعالی فرجه، شناختن مقام و مرتبه قدسی آن حضرت است و این نوع شناختن است که ارزش دارد و تنها انسان هایی به چنین شناختی نائل می شوند که ملاک داشته باشند و قواعد حق و باطل را تا اندازه ای بدانند. به عنوان مثال؛ همان چیزی که در رابطه با شناخت امام خمینی «رحمه الله علیه» پیش آمد؛ خیلی ها ایشان را می دیدند، می دانستند هم که اسم این آقا چیست، ولی دیدیم که او را نشناختند، چون مقصدش را نمی فهمیدند. او را می دیدند حرف های او هم به گوششان می خورد، اما شناختن او قاعده و ملاک دیگری می خواست. کسی که ملاک های توحیدی ندارد، چطور امام زمان را که متذکر توحید است می شناسد؟! در آخر دعای شریف ندبه در وصف امام زمان عجل الله تعالی فرجه می گوید: «اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيَّ وَ لِيِكَ الْمَذْكُرِ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا...» یعنی؛ خدایا! ما بندگان کوچک تو، مشتاق ولی تو هستیم، همان کسی که متذکر به تو و به پیامبر تو است، و او را خلق کردی تا برای ما وسیله نجات از گناهان و پناه ما باشد. بنابراین باید بدانیم دنبال کسی هستیم که متذکر خدا و راه و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، و گرنه چگونه می توانیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه را تصدیق کنیم. پس باید فکر آن حضرت را شناخت، مقصدش را شناخت، و این کار آسانی

نیست، باید اندیشه را به کار انداخت. آیا کسانی که منکر وجود مقدس حضرت اند، خیلی فکر کرده اند و نیافته اند؟ یا عقل شان را تعطیل کرده اند و چشمشان را بسته اند و ندیده اند؟! آیا دانشمندان و متفکران و محققانی که وارد این موضوع شدند و فکر کردند، هر چه جلوتر رفتند، موضوع برایشان روشن تر شد یا هر چه جلو رفتند انکارشان بیشتر شد؟ بعضی از چیزها هست که هر چه بیشتر تحقیق می کنی، بیشتر به نبودش پی میبری، مثل «غول» که هر چه بیشتر تحقیق می کنی می فهمی، ساخته ذهن است و حقیقت ندارد. در مقابل، بعضی از چیزها هست که حقیقتش بالاتر از آن است که به راحتی بتوان به آن دست یافت، ولی هر چه بیشتر تحقیق کنی، بیشتر به حقیقت آن نزدیک می شوی. مسئله امام زمان عجل الله تعالی فرجه این خصوصیت را دارد که هر چه بیشتر تحقیق کنی نه تنها بیشتر می پذیری، بلکه شیدای این مقام هم می شوی. نهایتش این است که گاهی مطلب به قدری بزرگ است که آدم درمی ماند چگونه می توان این حقیقت بزرگ را برای مردم روشن کرد، و لذا می گوید: خدایا! خودت مسئله را حل کن که ملت متوجه چنین مقامی بشوند.

پس از این که متوجه اهمیت شناخت امام علیه السلام شدیم، مسأله دیگری که پیش می آید این است که امام را چگونه بشناسیم؟ قبلاً راجع به مقام امام و نحوه حضور امام بحث کرده ایم، این جا به ذکر یک نکته و دو مثال اکتفا می کنم.

نکته ای که در کتاب «مبانی معرفتی مهدویت» مفصلاً عرض شد این بود که طبق یک قاعده بدیهی، «هر چیزی باید به اصل خودش برگردد.» مثلاً هر چیز شیرینی باید به شکر که اصل شیرینی و عین شیرینی است، برگردد، همان طور که هر تری به عین تری برمی گردد، که آب است. با توجه به این قاعده است که می گوئیم همه ما انسانیم، اما هیچ کدام انسان کامل نیستیم. پس باید انسانیت ما به انسان کامل یا عین انسان برگردد. بنابراین عین انسان همیشه در عالم هست که ما می توانیم از جهت انسانیت از او نور بگیریم و در راستای انسانیت رشد کنیم، و عنایت داشته باشید حقیقت انسان یا انسان کامل، حقیقتی است فوق جسم و مکان و زمان. زن ها و مردها همه انسان اند، ولی قطب جان همه انسان ها امام زمان عجل الله تعالی فرجه است، لذا معنی نمی دهد که زن ها بگویند چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه مرد است، پس امام ما نیست، چون آن حضرت انسان کامل و

قطب جان انسانیت انسان هاست. امام عین انسانیت است، پس هر اندازه بخواهی در انسانیت کامل شوی، فقط در گرو ارتباط و بهره گیری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه به دست می آید. چون شما اگر انسان بشوید، کامل می شوید، همچنان که درخت سیب اگر سیب بزرگ آب دار بدهد درخت سیب کامل است، اگر فقط برگ بدهد، درخت سیب کامل نیست. انسان اگر انسانیتش شدید شود، به مقصد رسیده است، مقصد هر انسانی، انسان کامل است.

در اواخر دعای عزیز ندبه خطاب به آن حضرت عرضه می داری: «بِنَفْسِي أَنْتَ أُمَّيَّتُهُ شَائِقٍ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَا» یعنی؛ به جانم سوگند تو آن آرمان بلند و شور آفرینی هستی که مورد آرزو و توجه همه می باشی، هر زن و مرد مؤمنی تو را یاد می کند و از دوری تو می نالد. این که می فرماید حضرت آرزوی همه انسان ها هستند، حرف خیلی دقیق و عمیقی است. یعنی آن انسان کاملی که امام و جلوه نهایی هر کسی است، آرزوی ماست، چون ما انسانیم، اما انسان کامل نیستیم، ولی سیر به سوی انسان کامل مقصد و آرمان و آرزوی ما است. درخت سیب اگر یک سیب کوچک و کم آب بدهد، به مقصدش نرسیده است، مقصد درخت سیب این است که سیب کامل بدهد. جان همه انسان ها و مقصد و

مقصود همه انسان ها و محل و جایگاه نموّ همه انسان ها، یعنی آن جایی که همه ابعاد کمالی خودشان را می یابند، و آن مقام مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. شما فقط و فقط در راستای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه و در راستای برخورداری از انوار آن حضرت، همه وجودتان را در حال کمال می یابید. البته بحث درباره این موضوع آن قدر لطیف، ظریف، دقیق و عمیق است که بزرگان می فرمایند: با رعایت بسیاری از دقایق و ظرائف إن شاء الله به مسیری که باید برسیم، می توان رسید.

پس گفتیم که امام، انسان کامل است و لذا قبله همه انسانیت ما، امام است. هر درجه از انسانیت را که بخواهیم باید از طریق ارتباط با امام و از راه جلبِ نظر مبارک آن حضرت به دست آوریم، به همین جهت در دعای ندبه عرضه می داری: «وَأْمُنُّنُ عَلَيْنَا بِرِضَاةٍ» یعنی؛ خدایا! با ایجاد رضایت قلب مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه بر ما منت بگذار. تقاضا می کنی خدایا! تو کمک کن تا قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه از ما راضی باشد. این فراز از دعا نکته دقیقی است و از شعور دینی بلندی ریشه گرفته است، معنی اش این است که شما وقتی کامل می شوید که انسان کامل به شما توجه کند و چون آن حضرت در آن مقام تماماً قلب است، می خواهی قلب امام زمان عجل الله تعالی فرجه از شما راضی باشد، چون قلب امام زمان قلب کلّ است، سلطان قلب ها است. هر

قلبی به اندازه ای که به قلب کل نزدیک است، قلب است، و از گوهر انسانیت بهره مند است، و گرنه اصلاً قلب نیست، و هم و خیال است. گفت:

دل

یکی گوهری است ربانی

خانه

دیو را چه دل خوانی

آنکه

دل نام کرده ای به مجاز

روبه

سوی سگان کوی انداز

متأسفانه؛ ما محلّ و هم و خیال را دل نام نهاده ایم و خودمان را از دل حقیقی محروم نموده ایم که اصل این موضوع در بحث «امام زمان عجل الله تعالی فرجه قلب عالم هستی»^(۱)

بحمدالله تا حدّی روشن شده است.

امام، اصل عالم و آدم

امام یک دُرّ قیمتی است و برای یافتن این دُرّ باید تلاش اساسی بکنیم، همه حقیقت هر انسانی در رابطه با امام علیه السلام محقق می شود. ارتباط من شما با تن شما چگونه است؟ می گویند: من با چشمم می بینم، من با گوشم می شنوم، پس آن بیننده و شنونده اصلی «من» شما است، چشم و گوش به نور من شما، شنوایی و بینایی دارند. اعضاء تن شما، خود شما نیستند، تن شما در موقع خواب، در رختخواب است، ولی خودتان که همان من شما است، خواب می بینید، پس معلوم است که

ص: ۲۷

خودتان غیر از تتان هستید. ولی تن شما در قبضه من شما است و آن مَنْ همه جای بدن شما هست و به جهت توانایی های آن مَنْ است که شما با چشم می بینید و با گوش می شنوید، دست شما را «مَنْ» شما تکان می دهد. مَنْ شما همه جای تن شما هست و اصل و اساس همه شعور و ادراک شما «مَنْ» شما است نه تن شما، چون همه ادراکات به آن برمی گردد. همچنان که همه انسانیت شما به آن انسان کامل برمی گردد و نحوه حضور آن حضرت در عالم انسانی، مثل نحوه حضور «مَنْ» شما در تن شما است، و همان طور که چشم و گوش بدون حضور «مَنْ» کالبد بی جانی بیش نیستند، عدم حضور انسانیت در جان انسان ها، در واقع موجب می شود که ما کالبدی انسانی باشیم، بدون داشتن حقیقت انسانیت، مثل کالبد چشم، بدون نور رؤیت. از طرفی همه حقیقت عالم، جهت انسانیت انسان به وجود آمده است،^(۱)

پس انسان کامل که حقیقت انسانیت و بنیاد انسانیت هر انسانی است، اصل عالم و قطب دایره عالم امکان است، و لذا هر حقیقتی پیش امام زمان عجل الله تعالی فرجه است؛ هر کس به اندازه ای که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه نزدیک است، از حقیقت بهره مند

ص: ۲۸

۱- قرآن در آیه ۲۹ سوره بقره می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»؛ یعنی همه آنچه را خداوند در زمین خلق کرد، برای شما انسان ها بود.

است، و گرنه گرفتار و هم و خیال است. اگر تأمل بفرمایید، موضوع فوق العاده دقیق و روشنی است و لذا تصدیق خواهید کرد که زیارات ما عبادت است، به واسطه همان توجهی که باید به مقام انسان کامل انداخت. اگر کمی آماده باشیم، پس از توجه قلب به آن مقام، حقیقت آن حضرت را به راحتی تصدیق می‌کنیم و به لطف الهی قلب به رؤیت آن مقام مفتخر می‌گردد. امیدواریم با چنین موضع و امیدی زیارت آل یاسین را دنبال بفرمایید تا به واقع برای ما زیارت باشد.

رؤیت در منظر زیارت آل یاسین

با هم زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه را که هنگام تشریف به سرداب امام زمان علیه السلام می‌خوانند و مشهور به «آل یس» است، بخوانیم و به کمک این کلمات با قلب خود به مقام آن حضرت علیه السلام نگاه کنیم. این زیارت با افق‌های بسیار دقیقی به حقیقت وجود مقدس حضرت می‌نگرد، لذا باید از طریق این گونه زیارات، به واقع آن مقام را زیارت کرد و به ملاقات آن حضرت نشست که خیلی قیمتی است. ما در کم‌ترین حد هم امام زمان شناس نیستیم، چرا که حقیقت زیارت از ما گرفته شده و فقط الفاظش برای ما مانده است، همان‌طور که چون اسلام را نمی‌شناسیم، اسلام از ما گرفته شده است.

از امام زمان علیه السلام می پرسند: چگونه شما را زیارت کنیم؟ خود امام زمان علیه السلام می فرماید: «وقتی خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند - یعنی مقصد خدا است- پس این دعا را بخوانید». آن وقت با توجه به این نکته باز وهابی ها ما را متهم می کنند که شما امام را می پرستید. ببینید امام علیه السلام چگونه با ما صحبت می کنند و چگونه ما را به سوی خدا می خوانند، می فرماید: «وقتی خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خدا»، همان طور که خدا فرمود: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس» (۱) شما هم همان را بگویید. و سپس زیارت خودشان را با این مضامین به ما آموختند.

(السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ)

سلام بر تو ای کسی که به خدا دعوت می کنی و پرورش یافته آیات الهی هستی!

حالا ببینیم شیعه، امام خود را چگونه می شناسد، آیا این شناخت، یک شناخت واقعی و منطقی است یا احساسی و خیالاتی؟!

ص: ۳۰

۱- حضرت علیه السلام به آیه ۱۳۰ سوره صافات اشاره می فرمایند که به قرائت های مختلف خوانده شده، یکی از آن قرائت ها همین است که امام به آن اشاره می کنند.

می‌گوییم: سلام بر تو که ما را به خدا دعوت می‌کنی و پرورش یافته آیات خدا هستی.

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ)

سلام بر تو ای امامی که در پیچه ارتباط با خدایی، و دین شناس واقعی دین خدا هستی!

همین حالا- امام حئی و زنده ای که بشود با او این گونه حرف زد، رو در روی ما است و اعتقادمان را در محضر آن حضرت جمع بندی می‌کنیم تا در عین سرزنده نگهداشتن این اعتقاد بزرگ، بتوانیم از برکات توجه به چنین حقیقت بزرگی، بهره مند شویم. شیعه با دقت بسیار متوجه این گوهر متعالی شده است و مواظب است این شعور در او فرو نشیند. ابتدا باید با اندیشه و تدبیر به چنین معرفتی دست یافت و سپس از برکات آن استفاده کرد و در واقع ما از طریق این زیارات داریم می‌گوییم:

دیر آمدی ای نگار سر مست

زودت ندهیم دامن از دست

امام زمان عجل الله تعالی فرجه منظر اسم «الله»

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ)

سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاری دهنده حق حضرت پروردگار!

پس از معرفت به وجود آن حضرت، با چشم قلب به مقام منور آن حضرت می نگری و با رؤیت همه اسماء الهی در آن مقام، می گویی: سلام بر تو که خلیفه خدایی! خلیفه خدا یعنی آن کسی که همه صفات خدا را یک جا در وجود جامع خود دارد، ولی از خود ندارد بلکه خدا به او داده است. قرآن در وصف خلیفه خدا فرمود: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (۱) یعنی؛ خداوند به آدم - به عنوان خلیفه خدا- همه اسماء را تعلیم فرمود، پس تمام اسماء خدا ابتدا در ظرف مقام آدمیت پذیرفته شده و سپس در حرکات و سکنات خلیفه واقعی او جلوه کرده و می کند.

امروز انسان حیّ کامل در صحنه هستی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد. حتماً مطلعید که حضرت «الله» اسم جامع حضرت احدیت است، حال اگر «الله» به عنوان اسم جامع بخواهد تجلی کند، آن تجلی نمی تواند در ظرف وجود ملائکه باشد، چون هر ملکی مظهر اسمی از اسماء الهی است، یکی مظهر اسم علیم اوست به نام حضرت جبرئیل علیه السلام و یکی مظهر اسم مُمیت اوست به نام حضرت عزرائیل علیه السلام، ملائکه هر کدام در مقام خاص و مظهر اسم خاص هستند، همان طور که خودشان

ص: ۳۲

در وصف خود می گویند: «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (۱) یعنی؛ و ما فرشتگان فقط هر کدام مقام مخصوص به خود را داریم، و لذا هر کدام مظهر اسم خاصی هستند، و هیچ کدام خلیفه «الله» که مقام جامع اسماء الهی است، نیستند. از طرفی همان طور که هر اسمی مظهري دارد، اسم «الله» نیز مظهري می طلبد و مظهري را به صحنه آورده است که آن مظهر باید اولاً؛ انسان باشد. ثانياً؛ انسانی باشد که ظرفیت پذیرش همه اسماء را داشته باشد، پس محال است خلیفه «الله»، لحظه ای موجود نباشد - چه ظاهر و چه غایب - چون اسم «الله»، بی مظهر نمی شود و هنر شیعه در دو چیز است؛ یکی در این که: متوجه شده است حتماً خلیفه الله موجود است، و دیگر این که متوجه شده مصداق شخصی و فردی آن چه کسی می تواند باشد. مسلم اگر قسمت اول پذیرفته شد، هیچ کس جز وجود مقدس اهل البیت علیهم السلام ادعای خلیفه الله بودن به معنی واقعی آن - که ظرف پذیرش و ظهور جمیع اسماء الهی باشد - ندارد و نمی تواند چنین ادعایی داشته باشد.

خداوند برای ارتباط انسان ها با خودش خلیفه انتخاب کرده است، و آن خلیفه همان کسی است که بشریت را به خدا می خواند و «داعی الله» است. ارتباط با خدا فقط و فقط از

ص: ۳۳

طریق خلیفه او امکان پذیر است و لذا خلیفه او «باب الله» و در پیچه ارتباط با خدا است و این جاست که نباید غفلت کرد که خلیفه خدا یک مقام است به نام مقام واسطه فیض، مقامی بالاتر از جبرئیل و عزرائیل، آن وقت یک چنین حقیقتی که احاطه کلی بر هستی دارد، کجا پنهان است؟ اصلاً چرا تصورمان از آن حضرت این قدر محدود باشد که او را در حدّ یک انسان معمولی به حساب آوریم که در جایی پنهان شده است؟ چرا متوجه نباشیم که او واسطه فیض است و لذا تمام ارض و سماء در قبضه وجود اوست؟ وقتی تمام زمین و آسمان به فیض وجود او موجود می شوند، چرا محدود به جسمی خاص باشد؟ البته که هر گاه هر طور اراده بفرماید، جسم، بلکه جسم ها برای خود ایجاد می کند ولی حضور آن حضرت «باب الله» است و این مقام مقامی نیست که وجود یا عدم وجود مادی آن حضرت در تجلی انوارش نقش داشته باشد. (۱)

ص: ۳۴

۱- با دقت در روایات متوجه می شویم که وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از ابتدای تولد و حتی در دوره جنینی، جنبه ای از غلبه غیب بر وجود مادی آن حضرت جریان داشته به طوری که حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام می گوید: جناب نرگس خاتون مادر حضرت حجت علیه السلام تا قبل از وضع حمل هیچ اثری از حمل در او ندیدم، و هم او می گوید: و چون صبح شد اثر حمل ظاهر شد، ولی چون خواست فرزند را به دنیا آورد، نرگس از دیده من پنهان شد، پس فریادکنان به سوی حضرت امام عسکری علیه السلام دویدم. حضرت فرمود: برگرد ای عمه، او را در جای خود خواهی دید، و چون برگشتم پرده گشوده شد و در نرگس نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد و حضرت صاحب را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده (منتهی الآمال ج ۲ در بیان ولادت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه). در همین رابطه احمد بن اسحاق می گوید: روزی به خدمت حضرت عسکری علیه السلام رفتم بر روی تختی نشسته بود و از جانب راست آن حجره ای بود که پرده ای بر آن آویخته بود. گفتم: ای سید من؛ کیست صاحب امر امامت از شما؟ فرمود: پرده را کنار بزن، پرده را کنار زدم، کودکی بیرون آمد که تقریباً هشت ساله یا ده ساله می نمود با پیشانی گشاده و دیده های درخشان. حضرت فرمودند: این امام شماست، پس کودک برخاست و داخل حجره شد. پس حضرت فرمودند: نظر کن چه کسی در حجره است، داخل شدم و جستجو کردم، هیچ کس را در حجره ندیدم (منتهی الآمال ج ۲ باب چهارم، فصل سیم در اثبات وجود حضرت صاحب العصر علیه السلام ص ۴۳۶). چنانچه ملاحظه می فرمایید همین که حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه وارد حجره می شوند جنبه غیبی وجود مبارک حضرت غلبه می کند و لذا دیگر احمد بن اسحاق ایشان را نمی بینند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام پرسیدند؛ می فرمایند: «او غیبتی طولانی دارد، جابر سؤال می کند: «هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي غَيْبَتِهِ؟»^(۱) آیا شیعه در غیبت حضرت قائم علیه السلام از او بهره مند می شوند؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۳۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

می فرمایند: آری! به خدایی که مرا به نبوت برگزید، در زمان غیبت، نور و رحمتش از مردم بریده نمی شود مثل بهره مندی مردم از خورشید در پشت ابر».

درست است که مشخصاً ممکن است نتوانیم به آن حضرت اشاره کنیم، ولی تمام نور امام به جان ما سرازیر است، باید جان را از طریق همین سلام ها به سوی او متمایل کرد و انوار جامع اسماء الهی را از وجود متعالی او گرفت و استفاده کرد.

خودش، خودش را می شناساند

پس از آن که عقل متوجه وجود مقدس آن حضرت در هستی شد و قلب هم وقتی در خود جستجو کرد و متوجه شد که در طلب اوست و چون طلب بدون معرفت هم ممکن نیست. لذا وقتی او را یافت، می شناسد و در اظهار صفات او می گوید: «وَ نَاصِرَ حَقِّهِ» سلام بر یاری کننده حق خدا در بین بندگان خدا! یعنی آن حضرت کمک می کند تا با نمایش صفات کمالیه «الله» و جلب نظر مردم به حق، حق خدا در بین بندگانش محقق شود و مردم بتوانند خدایین شوند. چون با توجه به خلیفه الله بودن و ناصر حق بودن آن ذات مقدس به او سلام دادی و گفتی «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ»، حال می گویی:

ص: ۳۶

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ)

سلام بر تو ای حجت خدا و ای کسی که نمایان کننده احکام الهی هستی!

انسان کامل که از یک طرف محل پذیرش اسماء الهی است، و از طرف دیگر محل نمایش جامعیت اسماء حضرت «الله» است، حجت خداست، یعنی نمایش «الله» است. اگر می خواهید به «الله» برسید و حق را با تمام اسماء عبادت کنید، باید به حجت «الله» نظر کنید و از او امر خدا را بگیرید.

عرضه می داری: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ»؛ چون به کسی باید سلام کرد که حی و حاضر باشد و بتوان او را دید و مورد خطاب قرار داد. وقتی زیارت کننده در جمال مبارک او حق را به تماشا می نشیند، از طریق او متوجه انتظارات حق از بندگانش می شود، در واقع هم او که نمایش تمام نمای «الله» است، از طرف «الله» برای بندگان خبر آورده که راه رسیدن به معبودشان چگونه است یعنی او «دَلِيلَ إِرَادَتِهِ» است. پس چون خواستی او را بنگری بر جنبه «حجه الله» بودن و «دلیل إِرَادَتِهِ» بودن او نظر کن، او را خواهی یافت و لذا بر اساس همین دو صفت به آن حضرت سلام می کنی و می گویی: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ»

ص: ۳۷

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ)

سلام بر تو ای جمال منوری که تالی و پهلو به پهلو ی کتاب خدا و زبان روشن کننده مقاصد آن هستی!

در اصطلاح داریم که فلانی تالیِ فلانی است، یعنی می توان از طریق این یکی به خصوصیات آن دیگری پی برد. حالا که متوجه شدید در عالم هستی انسانی حاضر است که تالیِ تَلُو کتاب خدا است، می خواهید نظر جانتان را به سوی وجود مبارک او بیندازید، چون از طریق او متوجه انوار کتاب خدا می شوید و راه ورود به مقاصد کتاب خدا را به بهترین نحو می یابید. راستی اگر دستور العملی از طرف خدا آمده باشد و آن دستور العمل همواره در نمونه ای عینی محقق نشده باشد، چگونه می توان گفت آن دستور العمل در این شرایط امکان تحقق دارد؟ به همین جهت آن کس که به خدا و کتاب خدا ایمان آورد و می خواهد خود را با کتاب خدا هماهنگ کند، باید از انوار نمونه عینی آن دستور العمل مدد بگیرد و قبله جان خود را او قرار دهد. پس چون خواستی بر آن وجود مقدس نظر کنی؛ به صفات تالیِ کتاب خدا و ترجمان آن کتاب توجه

کن و تَعَيَّنْ خَارِجِي أَن رَا بَيْن و چوں نظر کردی و دیدی، سلام کن و بگو: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللّٰهِ وَ تَرْجُمَانَهُ».

بهترین شرایط ارتباط با خدا

سپس می گویی:

(السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ)

سلام بر تو در سراسر شب و روزت!

این قسمت از زیارت نکات عجیبی را در منظر انسان قرار می دهد، چون امام مظهر بندگی و عبودیت خالص و کامل است، بنابراین حالات امام در طول شب و روز، حالات انسانی است که با تمام وجود متوجه حق است و دلش در شمع اُنس با خدا قرار دارد. این حالات؛ حالات عجیبی است، حالت آزاد بودن از همه چیز و در حال توجه کامل به حق بودن.

عموم انسان ها یا در خاطرات گذشته به سر می برند - که فعلاً رفته است و نیست - یا به آرزوهای آینده می نگرند - که فعلاً نیست و معلوم نیست واقع شود - پس در واقع در یک خلأ و نیستی سیر می کنند، چون در حالت بقاء و وجود نیستند، بلکه در حالت عدم و تزلزل اند، حالا - یا در گذشته ای که رفته و یا در آینده ای که نیامده است. ولی اگر انسان بتواند خود را از گذشته و آینده

خیالی و وهمی آزاد کند، با «حال» به سر می برد و در «بقاء» وارد می شود، بقایایی که نه گذشته است و نه آینده، این آدم که در حالت حال و بقاء است، می تواند با خدایی که عین بقاء و حال است مانوس باشد. خداوند هم اکنون در نزد ما است و می توان با او مانوس شد، به شرط این که ما در گذشته و آینده به سر نبریم، زیرا؛ «گذشته» و «آینده»، نه «حال» است و نه «بقاء». در صورتی که خداوند در «حال» و «بقاء» است، پس کسی که خود را از گذشته و آینده آزاد کرد و در حال و بقاء قرار گرفت می تواند با خداوندی که عین حضور و بقاء است مانوس شود. در همین رابطه امیر المؤمنین علیه السلام توصیه می فرماید:

مَا فَاتَ مَضَى، وَ مَا سَيَأْتِي

فَإَيْنَ؟

قُمْ! فَاعْتَنِمِ الْفُرْصَةَ

بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ

یعنی آنچه که گذشت و در عدم فرو رفت، که گذشت، و آنچه هم که بناست بیاید که فعلاً نیست، پس همت کن در بین این دو عدم و نیستی، «حال» را حفظ کن و مغتنم بشمار.

پس انسانی که مشغول گذشته و آینده است، در نیستی به سر می برد و نمی تواند با خدایی که عین هستی و بقاء است ارتباط برقرار کند. مولوی در این رابطه می گوید:

فکرت

از ماضی و مستقبل بود

ص: ۴۰

چو

از این دو رست مشکل حل بود

چون

بود فکرت همه مشغول حال

ناید

اندر ذهن تو فکر محال

یعنی اگر توانستی خود را در «حال» قرار دهی، گرفتار اندیشه های پوچ و غیرقابل دسترس نمی شوی. حالا عنایت بفرمایید امام زمان عجل الله تعالی فرجه در این رابطه در چه شرایطی هستند، در مقام اُنس کامل با حق و آزاد از هر فکری که بخواهد حضرت را از «حالِ حضور» خارج کند و لذا جا دارد که دل را متوجه «حال حضور» حضرت کرده و بر آن مقام سلام کنیم، به حالِ حضوری که حضرت در تمام شب و روزشان در آن مستقرند.

نشستن و برخاستن امام ظهور بندگی است. پس سلام بر نشستن و برخاستن امام که از باطنی خیر می دهد که آن باطن و قلب سراسر در محضر حق است، همان حالتی است که باید برای ما نیز محقق شود و قبله جان ما است، پس سلام بر قبله جانمان! در واقع داریم از طریق این سلام، خود گم کرده مان را پیدا می کنیم و با آن معاشقه می نماییم و برای رؤیت آن مقام، نظر به حالات قدسی آن حضرت در شبانه روزشان می کنیم، و چون از این منظر آن حضرت را دیدیم، سلام می کنیم و می گوییم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ». بعد می گویی:

ص: ۴۱

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ)

سلام بر تو ای بقیه الله در زمین خدا!

اصل موضوع و مفهوم «بقیه الله» که معارف فوق العاده عمیقی را دربردارد، در بحث «معنی و عوامل ورود به عالم بقیه الله» تا حدی روشن شده است و ممکن است چون ما کلمه «بقیه الله» را به عنوان صفت آن حضرت زیاد تکرار می کنیم، به معنی آن توجه لازم را ننماییم و نپرسیم چرا وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه را با این صفت یاد می کنیم. همین قدر عرض کنم که حضرت شعیب علیه السلام مردم زمان خود را که کم فروشی و گران فروشی می کردند و متوجه چیزی بالاتر از سودی که به ظاهر از این کارشان به دست می آوردند نبودند، از این کار نهی کردند و فرمودند: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛^(۱) یعنی، اگر مؤمن بودید و به اسرار عالم آگاهی داشتید، می دیدید که آن بقاء و وجود الهی که در راستای اعمال شرعی نصیب شما می شود، برای شما بهتر است از این سود کاذب و حرامی که به دست می آورید. در این آیه حضرت

ص: ۴۲

شعیب علیه السلام مردم را متوجه یک حقیقتی فرمود که آن حقیقت عبارت است از مقام آزاد شدن از سود و زیان دنیایی و رسیدن به عالم «بقیه الله»، یعنی مقام باقی بودن به نور «الله»، به جای باقی بودن به امیدهای و همی حاصل از سود دنیا. حال با توجه به این فکر و فرهنگ، وجود مقدس امام زمان علیه السلام مظهر تام آن مقام اند و لذا در بعضی روایات با آوردن صفت «بقیه الله اعظم» خواسته اند ما را متوجه کنند که صاحب اصلی مقام «بقیه اللهی» آن حضرت اند. حالا با توجه به این نکته که مقام بقیه اللهی، مقام باقی بودن به نور «الله» است به جای باقی بودن به امیدهای و همی دنیایی، قلب خود را متوجه مقام بقیه اللهی حضرت می کنی و سلام می دهی. سلام به آن مقام، بر اساس صفت بقیه اللهی، جوابش هم از آن مقام یعنی مقام بقیه اللهی است و لذا إن شاء الله جواب می فرمایند: «عَلَيْكَ السَّلَام!» یعنی همان انوار مقام بقیه اللهی بر تو نیز باشد. چه زیبا رؤیتی و چه درخشان سلامی و چه با برکت جوابی.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه حقیقت جان هر انسان

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ)

سلام بر تو، ای میثاق و پیمان خدا، آن میثاقی که خداوند از جان و فطرت بندگان گرفت و آن را محکم نمود.

حتماً می دانید خداوند با جان همه انسان ها میثاقی بسته است که او را پرستش کنند و از شیطان دوری نمایند. خطاب به انسان ها می فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (۱). یعنی؛ ای فرزند آدم مگر عهد نکردی شیطان را عبادت نکنی و مرا عبادت کنی چرا که عبادت من راه مستقیم است؟ حالا در این فراز می گویی: سلام بر تو ای امام زمانی که تعیین عهد بندگی صرف انسان ها با خدا هستی. همچنان در این رابطه خداوند می فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (۲). یعنی؛ به یاد آر آن هنگامی که پروردگار تو از فرزندان آدم میثاق گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم، گفتند: آری! می بینیم که پروردگار مایی، تا روز قیامت نگویند ما از این مسئله غافل بودیم. حال در سلام خود به امام زمان عجل الله تعالی فرجه اظهار می داری که

ص: ۴۴

۱- سوره یس، آیات ۶۰ و ۶۱.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

تو همان پیمانی هستی که اقرار به ربوبیت خدا است و در واقع وجود مقدس تو، تذکر همان پیمان و یادآوری آن است، تا خلق راه خود را گم نکنند، این است که گفته می شود امام را هر جانی می شناسد، چون آن حضرت در واقع حضور بالفعل فطرت هر انسان است و هر کس به اندازه ای که بتواند به امام زمانش نزدیک شود، به خود راستین خود نزدیک شده است.

وجود منور حضرت؛ یادآور عهد هر انسانی است با خدا، و لذا امام علیه السلام هرگز کسی را به خودش دعوت نمی کند، چون خودی ندارد. خود او، خود واقعی ما است، و خود واقعی ما، عهد بندگی است با خدا، همان خودی که ربوبیت حق را با جان خود دیده و تصدیق نموده است. حال وقتی انسان متوجه ربوبیت حق شود، متوجه عبودیت خود نیز شده است. چون ربّ؛ عبد می طلبد، و او به واقع ربّ است، پس ما هم به واقع عبدیم و دیگر هیچ، و وجود منور امام زمان علیه السلام متذکر حفظ این معادله است که در افق جان ما عبودیت ما و ربوبیت حق فراموش نشود.

سلام بر چنین مقامی می کنیم، مقام مستقر در عبودیت خود و توجه به ربوبیت حق، تا او این شاء الله بفرماید: «عَلَيْكَ السَّلَام!»
یعنی پرتویی از آن عهد حقیقی بر جان ما تجلی نماید.

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ)

سلام بر تو ای وعده خدایی که خداوند آن وعده را تضمین کرده!

وعده خدا آن است که در نهایت، حق باید در تمام ابعاد زندگی زمینی ظهور کند و ظهور کامل حق در حالتی ممکن است که امامی معصوم بدون هیچ مانعی بتواند حکم خود را در جهان جاری نماید. این مسئله، مسئله اساسی و عقیده دقیقی است که در مبحث «فرج، حتمی ترین حادثه در انتهای تاریخ» و «آخر الزمان، شرایط ظهور باطنی ترین بُعد هستی» و بحث «آخر الزمان و جایگاه انقلاب اسلامی در نظام احسن» به آن پرداخته شده است و شما در این سلام و با این مضمون می خواهید آن عقیده را فعال و بانشاط نگه دارید و با سلام به حضرت از این منظر، متوجه حضور نهایی آن حضرت باشید و خود را در پهنه همه تاریخ وارد کنید، آن هم در کنار امام زمان علیه السلام که چنین حضوری، برکات فوق العاده ای را در پی خواهد داشت که در بحث «برکات انتظار» به آن پرداخته شده است. نگاه کن در افق تاریخ و وجود حتمی او را بنگر و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ» و سپس بگو:

(السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْضُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ)

سلام بر تو ای نشانه نصب شده و ای علم و دانش فراوان سرازیر شده، و ای فریادرس و رحمت واسعه الهی، و ای وعده غیر دروغ!

«عَلَمٌ»؛ یعنی نشانه ای که نمی گذارد شخص گمراه شود. در جنگ ها هم این طور بود که عَلَم را به دست علمدار جنگ می دادند تا معلوم شود محور لشکر کجاست و سربازان حول محور عَلَم موقعیت خود را تنظیم می کردند.

خطاب به امام می گویی: تو یک عَلَم نصب شده توسط خداوند هستی و در آن راستا ملاک انحراف و عدم انحراف می باشی. در این فراز از دعا متوجه ای که خداوند در هر زمان در فهم دین و نشان دادن راه دینداری، انسان را تنها نمی گذارد و هرگز نمی شود عالم بی حجت باشد،^(۱)

حجتی که نمایش خواست و عدم خواست خدا است، و در این فراز در محضر آن حضرت این عقیده را متذکر می شوی که آن حجت و عَلَم

ص: ۴۷

۱- از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هست که «لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّتِهِ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ مَعْمُورٍ» یعنی؛ زمین هرگز از حجت خالی نمی شود، حال چه امامتش آشکار شده باشد، چه مخفی. (در این مورد؛ به بحار الانوار ج ۲۳ صفحات ۲۰ به بعد، رجوع کنید.)

منصوب، تویی، «وَ الْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ» و نیز تو عِلْمِ سرریز و فراوان و بدون خلل و نقص هستی!

یعنی تمام چشمه های علم از تو سرازیر می شود، زیرا وقتی انسانی ارتباط کامل با خدای علیم مطلق داشت، آن هم نه خدایی که در فکرِ زمان زده ی گرفتار گذشته و آینده ی انسان های معمولی مطرح است، بلکه خدایی که حئی و حاضر است. او پرتو علم خود را بر قلب بنده مخلص اش می افشاند، چنین انسانی همه آن علمی را که ممکن است یک انسان دارا شود داراست و ما از طریق اُنس قلبی با او، همو که به عنوان واسطه فیض، حئی و حاضر است، از آن علم همه جانبه او بهره مند می شویم، علمی که سراسر شور و شعف و اتصال و شهود به همراه دارد.

حال در ادامه همین فراز، نظر به صفات دیگر حضرت می اندازی و می گویی: «وَ الْعَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدًّا غَيْرَ مَكْدُوبٍ» سلام بر تو که فریادرس و رحمت واسعه و وعده ای هستی که هرگز دروغ نمی شود!

هرکس بدانند باید در زندگی زمینی مسیر زندگی را در شرایط دقیق بندگی خدا بگذرانند، می فهمد این مسیر دقیق بدون یاوری بزرگ ممکن نیست و خداوند هم انسان را از چنین یاوری محروم نکرده است و لذا متوجه می شوی آن یاور

و فریادرس در این بیابان زندگی، انسان کامل و بنده محض خداوند است و به همین جهت هم او تجلی رحمت و اسعه خداوند است و خداوند هرگز ما را بدون مدد او رها نکرده است، چه در جای جای زندگی و چه در نهایت کار عالم، او «وَعْدًا غَيْرَ مَكْدُوبٍ»؛ است، وعده ای که خداوند به بشریت داد که اگر یک روز از عمر زمین مانده باشد، او خواهد آمد. در همین رابطه حضرت عبدالعظیم حسنی می گوید: بر سرورم حضرت جوادالائمه علیه السلام وارد شدم، تصمیم داشتم از او بپرسم که آیا «قائم» شما همان مهدی است یا غیر او؟ - چون یک جا بحث قائم بودن کسی است که در این خاندان باید قیام کند، و یک جا بحث مهدی این امت است که باید نهایت فرهنگ اهل البیت را بنمایاند- می گوید: قبل از آن که شروع به سخن کنم، خود حضرت جواد علیه السلام آغاز به سخن کرده، فرمودند: ای ابالقاسم! قائم ما همان مهدی است که باید در عصر غیبت منتظرش بود و در عصر ظهور اطاعتش کرد و سومین فرزند من است. و سپس ادامه دادند: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنُّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيَّطًا وَعِدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُصَلِّحُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا

أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَ وَهُوَ رَسُولُ نَبِيِّ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا إِتِّظَارُ الْفَرَجِ» (۱) یعنی؛ قسم به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از عمر دنیا بیش از یک روز هم باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می گرداند تا قائم ما خروج کند و همان طور که زمین از جور و ظلم پر شد، از قسط و عدل پر شود، خدای سبحان کار او را یک شبه اصلاح می کند و اوضاع را به نفع او برمی گرداند، چنان که کار موسی علیه السلام را یک شبه اصلاح کرد، او برای گرفتن پاره ای آتش برای خانواده اش رفت، ولی هنگام بازگشت به شرافت رسالت و افتخار نبوت نایل شده بود، آنگاه فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج و انتظار گشایش امور به دست آن حضرت است.

این است معنی «وَعِيداً غَيْرَ مَكْدُوبٍ» یعنی؛ وعده ای که حتمی است و بلوغ هستی در گرو وجود مقدس آن حضرت است، به نور فریادرسی و رحمت واسعه و وعده غیر مکذوب بودن آن حضرت بنگر و سلام کن تا این شاء الله جواب سلامی متناسب با همان مقام بشنوی.

ص: ۵۰

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ)

سلام بر تو وقتی در حال قیام نماز هستی، که تنها قیام معنی دار در نماز، قیام تو است!

به ما گفته اند: «قیام نماز گزار، مقام استقامت در اخلاق حسنه و اعتدال در ملکات پسندیده است».^(۱)

اعتدال در بین خوف و رجاء، به طوری که آن خوف و رجاء ذره ای بر همدیگر نچربد، و ماندن در تعادل - بدون هیچ افراط و تفریطی - از مشکل ترین کارها است و این مقام قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه است و حال به این مقام سلام می کنی تا لبیک مناسب آن را بشنوی، لبیکی که حاوی مدد رسانی در جهت تعادل است به تو از صاحب قیام، تا از این مقام محروم نگردی و متذکر مقام قیومیت حق شوی و به قیام حق خود را قائم نمایی و نیز گفته اند قیام، مقام «توحید فعلی» است و مقامی است که توحید فعلی حق بر قلب نمازگذار تجلی می کند و در اثر آن تجلی او می بیند هر فعلی در عالم، تجلی فاعلیت خدا است. حال صاحب چنین قلبی، حضرت صاحب الامر علیه السلام است و راه نزدیکی به چنین مقامی و چنین توحیدی از طریق لبیک و

ص: ۵۱

۱- «سَرِّ الصَّلَاةِ»، امام خمینی «رحمه الله علیه»، در اسرار قیام.

جواب سلام آن حضرت برای ما ممکن است. پس؛ «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ»

نظر به کامل ترین تشهد و سلام

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ)

سلام بر تو وقتی در تشهد و سلام خود می نشینی!

اول باید متوجه بود آرمان حقیقی هر انسانی، حالات انسان کامل یعنی حالات حضرت صاحب الامر علیه السلام است و زیباترین حالات آن حضرت، حرکات و حالات آن حضرت در نماز است که نور علی نور است، و چه کسی می تواند حقیقت تشهد و سلام را قلباً و عملاً درک کند جز آن حضرت؟ در تشهد نماز، شهادت به یگانگی خدا و توحید خالص، و شهادت به عبودیت محض رسول خدا عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند و سپس سلام نماز به جهت برگشت از سفر معراجی نماز و باقی بودن در رؤیت جمال حق، در مقابل حجاب کثرات است، و صاحب اصلی چنین حالاتی و صد چندان از این حالات در تشهد و سلام، وجود مقدس حضرت صاحب الامر علیه السلام است، که صورت نهایی و آرمانی این حالات می باشد.

سلام بر آن مقام در حین تشهد، توجه به وجه آرمانی تشهد است و جهت دل را به آن نور مجسم انداختن، به امید لیبکی

مناسبِ همان مقام به آن کس که سلام کرده است، و در آن حال انسان معنی تشهد را می فهمد و حقیقت تشهد را در آینه وجود مقدس آن حضرت رؤیت می کند. حال دیگر فرق نمی کند با نظر به حقیقت تشهد، به وجود مقدس حضرت نظر کند و یا با نظر به تشهد آن حضرت، به حقیقت تشهد برسد، دو آینه است که روبه روی هم قرار می دهد و در هر آینه می تواند دیگری را ببیند.

نماز؛ واقعی ترین کلمات

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ)

سلام بر تو آنگاه که در حال قرائت نماز و نمایاندن مافی الضمیر خود هستی!

نماز گزار در قرائت اذکار نماز، اعتقادات توحیدی خود را اظهار می کند و در راستای توجه به مقام توحیدی حضرت حق، تقاضاهای خود را در میان می گذارد.

در قرائت اذکار نماز دو چیز مطرح است: یکی محتوای توحیدی که در سراسر آن کلمات وجود دارد و دیگری حضور قلب در اظهار آن عقاید و اعلان آن تقاضاها.

واقعی ترین کلمات در هستی که از هر وَهَم و حِدْسِ پاک است، کلمات نماز است، کلماتی که در عمق واقعیت جای

دارد و نمازگزار با گفتن آن‌ها به باطن هستی سیر می‌کند، آنگاه که قلب در صحنه باشد و به وسعت آن کلمات آشنایی داشته باشد؛ و لذا نمازگزار با قرائت نماز در مرکز هستی جای می‌گیرد و از آن جایگاه، حقایق را می‌بیند و می‌نماید، و این حالت؛ آرزوی هر انسانی است که به دنبال حقیقت است و جز در انسان کامل یعنی حضرت صاحب الامر علیه السلام محقق نیست و آن کس که قاعده «صاحب و تابع» را می‌شناسد و می‌داند برای هر حقیقتی، صاحبی هست و تابعی، مثل آب و رطوبت اشیاء که همه رطوبت‌هایی که به اشیاء می‌رسد، مربوط به صاحب رطوبت است که آن عین رطوبت و تری است، آری؛ هر کس قاعده «صاحب و تابع» را می‌شناسد، می‌داند صاحب قرائت اذکار نماز و اظهار و تبیین آن‌ها، حقیقت انسانیت، یعنی حضرت صاحب الامر علیه السلام هستند و صورت آرمانی این احوالات را در او می‌بیند و با سلام به آن حضرت در رابطه با این احوالات، قلب خود را متوجه وجه آرمانی قرائت اذکار نماز نموده است تا با جوابی که از آن حضرت علیه السلام مناسب این حالت، می‌شنود، ان شاء الله از حالت امام علیه السلام در قرائت نماز، به عنوان تابع آن صاحب، بی‌بهره نباشد. رزقنی الله و ایاکم

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ)

سلام بر تو آن هنگام که به طور کلی در حال نماز خواندن و قنوت و نیایش هستی!

راستی؛ اگر توجه من و تو به صورت آرمانی عباداتمان نیفتد، چیزی جز پوسته ای تهی از آن ها باقی خواهد ماند؟ و آیا وقتی عبادات از حقیقت تهی شد، شخصیت عبادت کننده جز پوسته ای تهی از انسانیت چیز دیگری است؟! با سلام به آن حضرت در هنگام نماز، به عین نماز و نیایش، سلام کرده ای، آری به عین نماز سلام کرده ای.

قرآن در راستای مقام امام و عینیت آن مقام با احکام الهی می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (۱) یعنی؛ ما آن ها را امام قرار دادیم که به «امر» ما هدایت می کنند و «فعل خیر» و «اقامه نماز» و «ایتاء زکات» را به آن ها وحی کردیم، چراکه آن ها بندگان عبادت گر ما بودند. مفسرین در تفسیر این آیه نکات دقیقی دارند، صاحب تفسیر قیم المیزان می فرماید: فعل خیر و اقامه نماز و ایتاء زکات را به آن ها وحی

ص: ۵۵

کرد، نفرمود نماز بخوانید، بلکه نماز خواندن را به آن ها وَحی فرمود و لذا نماز آن ها همان وَحی الهی است، و این است که می‌گوییم امامان عین نماز اند و هر نمازی با اتصال به عین نماز، معنی حقیقی خود را پیدا می‌کند و سلام بر آن حضرت در رابطه با این مقام خاص، یعنی مقام نماز و مقام نیایش آن حضرت با خدای خود؛ ما با سلام به آن حضرت و با نظر به نماز آن حضرت، امید لیبکی مناسب آن را اِنْ شاء الله داریم و در آن حالت است که معنی زندگی را خواهیم فهمید. چون معنی نماز را در آینه وجود مقدس آن حضرت فهمیده ایم.

سلام بر راز رکوع و سجود

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ)

یعنی، سلام بر تو هنگامی که رکوع می‌کنی و به سجده می‌روی!

به ما گفته اند: «رکوع؛ خروج از مقام قیام لله به مقام قیام بالله و نیز خروج از مشاهده قیومیت به مشاهده انوار عظمت است، و نیز سیر از توحید افعالی به توحید اسماء است و سلوک از مقام «تدلی» به مقام «قاب قوسین» است» (۱) که

ص: ۵۶

۱- «سَرِّ الصَّلَاةِ»، امام خمینی «رحمه الله علیه»، در اسرار رکوع.

اصحاب قلوب سال ها در طلب تحقق این نحوه رکوع هستند و سجود را «آخرین منزل قرب و منتهی النّهایت وُصول معرفی نموده اند».(۱)

سالک در سجود به مقام لامقامی وارد می شود که به آن مقام «او ادنی» گویند، مقام چشم بستن از غیر، حتی از کثرات اسماء و صفات، و فنای در خود حضرت ذات، که همان تجلی توحید ذات است بر قلب سالک در سجده.

حال به من بگو چنین رکوع و سجود و صد چندان از این رکوع و سجود در چه کسی محقق است؟ جز در مقام انسان کامل یعنی حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه که عین رکوع و سجود است، آیا ما بیچارگان وادی حیرت باید از نزدیکی به این نوع رکوع و سجود همواره محروم باشیم، با این همه لطفی که خداوند به بندگانش دارد؟ در این حالت است که با امید فراوان روبه روی خود کسی را می یابیم که تجسم عینی رکوع و سجود حقیقی است، امیدوارانه با توجه به رکوع و سجودش او را سلام می دهیم و می دانیم در همین رابطه به لطف الهی جواب سلام خود را دریافت می کنیم و با نور رکوع و سجود آن حضرت ما نیز وارد رکوع و سجود حقیقی خواهیم شد، إن شاء الله. حالا می فهمی چرا وقتی در سلام های قبل به حضرت

ص: ۵۷

سلام دادی، یکی از صفات آن حضرت را «والرحمه الواسعه» خواندی؟ چون از طریق اوست که ما وارد رحمت واسعه رکوع و سجود حقیقی می شویم. بعون الله و کرمه

آینه نمایش توحید

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلَّلُ وَ تُكَبَّرُ)

سلام بر تو هنگامی که مشغول «لااله الا الله» و «الله اکبر» گفتن هستی!

عرضه می داری؛ اگر «لااله الا الله» گفتن نظر به یگانگی خدا انداختن است، آن «لااله الا الله»، «لااله الا الله» توست و اگر با «الله اکبر» گفتن سراسر قلب را کبریایی حق پُر می کند، آن «الله اکبر»، «الله اکبر» گفتن تو است. ای آرزوی ما! مگر می شود نخواهیم که سراسر عالم را حضور «الله» ببینیم و جانمان را سراسر در طلب حکم او قرار دهیم؟ مگر می شود ما نخواهیم که کبریایی حضرت حق سراسر وجود ما را در برگیرد و در هر چیز و هر کار با کبریایی او روبه رو شویم؟ معلوم است که می خواهیم. پس معلوم است تو را می خواهیم، و سلام بر تو که جلوه تامّ و تمام آروزی مایی! چقدر بابرکت است اُنس با تو ای قلبِ سراسر مملوّ از توحید و تکبیر حضرت ربّ.

وقتی فهمیدی «لااله الا الله» گفتن و «الله اكبر» گفتن، چه غوغایی در قلب انسان به پا می کند و وقتی فهمیدی قلبی در صحنه عالم است که تجسم عینی این نوع «لااله الا الله» و «الله اكبر» گفتن است و می توانی بر اساس نظر به «لااله الا الله» و «الله اكبر» بر او نظر کنی، سلام خود را بر همین اساس بر آن حضرت عرضه می داری و می گویی؛ «السَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تَهَلَّلُ وَ تُكَبِّرُ»، طوبی لك، طوبی لك.

امام علیه السلام نمایش کامل ترین حمد و استغفار

(السَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ)

سلام بر تو هنگامی که حمد می کنی و استغفار می نمایی!

آیا کسی که در گرانمایی را بیابد، می تواند جهت دل را به جای دیگر بیندازد؟ آیا گرانقدرتر از خدا با آن همه صفات جمال و جلال می توان داشت؟ حال وصف زیبایی های خدا و سیر از اسمی از اسماء الهی به اسمی دیگر، که همان «حمد الهی» است، موجب انس قلب با حق است. و «استغفار»، طلب تکمیل فیض است تا این رؤیت به بهترین نحو انجام شود (۱) و

ص: ۵۹

۱- عفو؛ محو آثار معصیت، و مغفرت؛ اضافه و تکمیل نمودن است. به همین جهت مغفرت برای انسان هایی هم که معصیت نکرده اند بکار می رود و لذا همواره عفو قبل از مغفرت مطرح می شود. (سوره فتح، آیه ۲. شعرا، آیه ۷۸ و ۸۲)

همواره انوار حق بر قلب انسان در حال حمد، یکی پس از دیگری تجلی نماید، حقیقت تام و تمام حمد و استغفار، امام عصر علیه السلام است، هر کس می خواهد از آنچنان حمد و استغفاری محروم نگردد، راه و رسمش توجّه به آن حضرت است و سلام بر آن حضرت با نظر به حمد و استغفار او، موجب جلب توجّه ایشان بر اساس همان حالت می شود. گفت:

گرچه راهی است پر از بیم زما تا بر دوست

رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی

و کسی واقف منزل است که امام عصر علیه السلام را که منزل حقیقی این حالات و معارف است، یافته باشد و آن اجمال حمد و استغفار را که خود می شناسد به نحو کامل و بالفعل در وجود مقدس آن حضرت بنگرد و به آن مقام سلام دهد و امید جوابی مناسب آن سلام داشته باشد، جوابی که چون شنید سراسر وجودش را حمد و استغفار حضرت رب العالمین پر کند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ حاکم شب و روز

(السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمْسِي)

سلام بر تو هنگامی که صبح می کنی و هنگامی که شب می نمایی!

راستی؛ آن کس که سراسر قلبش توجه به حق است و از حق نور می گیرد، صبح و شامش چگونه می گذرد؟ تمام

گنج های معنوی عالم یکپارچه در قلب اوست، با سلام به اوست که به همه حقیقت، سلام کرده ای، به او می گویی:

در

کعبه کوی تو هر آن کس که در آید

از

قبله ابروی تو درعین نماز است

خوشا به حال کسی که در سوز و گداز چنین انسانی است! وقتی به صبح و شام کردن او سلام می کنی. قصه سوز دل خود را با محبوب آرمانی و الهی خود در میان می گذاری، نمی دانی به کدام وجه مبارک او نظر کنی، چراکه:

شرح

شکن زلف خَم اندر خَم جانان

کوته

نتوان کرد که این قصه دراز است

چه می توان گفت، جز این که بگویی: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمْسِي» سلام بر تو که تمام وجودم را یک چشم کرده ام و همه چشمم را به قلب سپرده ام و چشم قلب را از همه برکنده و باز داشته ام، تا به جمال تو باز کنم. یعنی:

بر

دوخته ام دیده چو باز، از همه عالم

تا

دیده من بر رخ زیبای تو باز است

و در این نظر کردن به تو، شب و روز نمی شناسم، شب و روزم سلام است به شب و روز تو، ای شاه انجمن دلبران!

هر

بامداد روی تو دیدن حیات ما است

امروز

روی خوب تو جانا چه دلرباست

ص: ۶۱

هر

روز در جمال تو خود لطف دیگری است

امروز

هر چه عاشق شیدا کند سزا است

امروز

آن کسی که مرا، دی بداد پند

چون

روی تو بدید ز من عذرها بخواست

صد

چشم وام خواهم تا در تو بنگرم

این

وام از که خواهم و آن چشم خود کراست (۱)

عرضه می داری؛ سلام بر تو هنگامی که صبح می کنی و هنگامی که شب می نمایی و سراسر وجودت توجه به حق است، سلامی می کنم با هزاران امید، امید به لیبکی از جنس همان حالاتی که صاحب اصلی آن تو هستی.

ای

خنک چشمی که آن گریان اوست

ای

همایون دل که آن بریان اوست

چرا که او صاحب «وقت» است و دیگر شب و روز نیستند که بر حالات او حکومت می کنند، بلکه اوست که با حالات توحیدی خود بر شب و روز حاکم است. پس سلام بر او در تمام شب و روزش که شب و روز واقعی، شب و روزی است که او دارد.

۱- کلیات شمس تبریزی با اندکی تغییر، شماره ۴۵۰.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ معنی شب و روز

(السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ)

سلام بر تو آن هنگام که شب در اوج تاریکی قرار می گیرد و هنگامی که روز در اوج روشنایی، خود را می نمایاند.

مگر می توانم یک لحظه از تو چشم بردارم، آن وقت به کجا چشم بگشایم!؟

سوخته عبودیت حق! مگر می شود در سراسر روزگار جز به انسان کامل یعنی صاحب عصر نظر کند.

ای مجلسیان، سوز دل حافظ مسکین

از شمع بیرسید که در سوز و گداز است

کسی که می خواهد از جهنم انانیت خارج شود، می داند که باید در سراسر روزگارش چشم بر آن حضرت بیندازد، و در این توجه، روز و شب شناسد و بداند با گوشه چشم اوست که این انانیت به بی نام و نشانی تبدیل می شود و خواهد گفت:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود

که به یک جلوه ز من نام و نشان یک جا برد

ص: ۶۳

حجاب آنانیت و توجه به خود، غلیظ ترین حجاب هاست و برای رهایی از آن یک راه بیشتر نیست و آن مددِ خم ابروی آن کسی است که سراسر وجودش بندگی است و اصلاً انانیتی ندارد.

آری؛ با این سلام ها خواستی سر رشته ارتباط با آن حضرت نگسلد تا او نیز از عنایات خودش ما را محروم نگرداند که گفت:

گرت هوا است که معشوق نگسلد پیوند

نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

شب می خواهد با همه تاریکی بیاید، بیاید، روز می خواهد با همه روشنایی برود، برود، در تمام این اوقات سلام بر تو، ای آرزوی دل و ای آرمان بلند انسانیت! اگر تو بر ما نظر نکنی، بودن و نبودن روز و شب چه معنایی دارد؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه ؛ حامل اسماء الهی

(السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ)

سلام بر تو ای امام امانت دار و امین!

مسلم خداوند امانت های خاصی دارد که هرکس ظرفیت پذیرش آن را ندارد و تو امانت های خاص خداوند را در نزد خود داری.

ص: ۶۴

در هر فرازی از این زیارت، قلب ما را جهت می دهند که به کجا نظر کند و با چه معارفی به سر برد، در این فراز نظر ما را به اماناتی می اندازند که در نزد آن حضرت هست و باید آماده شد تا ما را از داشتن آن ها برخوردار کنند تا بتوانیم با اسماء خاص الهی، حضرت «الله» را عبادت کنیم، توجه و تمرکز و دلدادگی به انسان کامل، شرط برخوردار شدن از نور اسماء الهی است که در نزد ما به صورت بالقوه به امانت گذارده اند، و در این رابطه امام علیه السلام جان جهان و حامل همه اسراری است که خداوند باید با بندگانش در میان بگذارد و در همین رابطه که خداوند به عنوان جامع جمیع اسماء حسنی، مقصد اصلی جان انسان ها است، امام زمان علیه السلام نیز مقصد اصلی جان ها می شود، چون قلب مبارک او محل تجلیات تامة اسماء الهی است و هماهنگی با رضا و خشم قلب مقدس او، راه نزدیکی به آن امانات الهی است که همان اسماء الهی باشد، اسمائی که آینه نظر بر حق اند، نظر بر حق که جانِ جانِ همه است. پس سلام بر امامی که وجود مقدسش حامل و امانت دار آینه های نمایش حق است. سلام بر امانت دار و امین اسماء الهی، امید را بر می انگیزاند تا ما از آن امانات محروم نگردیم.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ آرمان بلند انسان

(السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ)

سلام بر تو ای افق آرزو شده!

مگر بنا نیست هر قومی اگر خواست در روزمرگی‌ها نپوسد، به آرزویی سترگ، ولی واقعی توجه کند؟ و مگر نه این است که هرگاه قومی، اتکاء و باور خود را به آرزوی سترگ خود از دست داد و انسان مطلوب او از منظر زندگی اش رخت برپست، از حیثیت خویش تهی می‌شود و با پوسته زندگی به سر خواهد برد و هر لحظه باید آماده پذیرش مرگ و هلاکت باشد؟ پس ای امام! تو همان آرزوی بزرگ، ولی دست یافتنی هستی که ما را از همه این هلاکت‌ها می‌رهانی و آنچنان حی و حاضری که ما جرأت سلام کردن به تو را پیدا کرده ایم. به ما گفته اند:

یک چشم زدن غافل از آن یار نباشید

شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

سلام بر تو که هر آنچه ممکن است به طور منطقی در آرمان هر قومی باشد، در تو جمع است، خسارت دیده، آن‌هایی هستند که تو را مدّ نظر خود ندارند.

(السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ)

سلام بر تو با همه آنچه در حقیقت سلام نهفته است!

حقیقت آن است که نمی دانم با تو ای همه آرزوهایم! چه بگویم و دیگر به بهانه کدام یک از کمالاتت بر تو سلام کنم، پس بگذار در یک کلمه عرض کنم: سلام بر تو با هر آنچه جا دارد که بر تو سلام کنم! سلام بر تو به جهت هر آنچه در شأن سلام هست و همه آن در تو است!

نه ماهی از آب خسته می شود و نه من از سلام کردن به تو، چون ماهی بی آب لاشه مرده ای بیش نیست، و انسانیت انسان، بی انسان کامل قالب انسان است و نه خود انسان. پس

هر که

او ماهی نباشد جوید او پایان آب

هر که

او ماهی بود کی فکرت پایان کند؟

ای بقیه الله اعظم! ای حجت خدا! می خواهم نزدیکی خود را به شما نشان دهم که چون بیگانگان با من رفتار ننمایید، می خواهم عقاید خود را به شما عرضه کنم تا مرا هم از اهل دیار خود بدانید، در حالی که می دانم شما از ضمیر من اطلاع کامل دارید.

اظهار عقاید حق برای هم سنخی

پس: «أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ» شما را گواه می گیرم ای مولای من! که:

ص: ۶۷

(أَنْتَى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ عَلَيَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ
مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ حُجَّتُهُ)

ای مولای من! بر قلب من بنگر که من شهادت می دهم به یگانگی خدا و یگانگی او را در تدبیر، در همه عالم می بینم و
شهادت می دهم به این که تنها حکم او باید مطاع باشد. آری؛ «أَنْتَى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» و نیز می بینم
که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول چنین خدایی است، و آثار توحید الهی در حرکات و سکناتش نمایان است،
محبوبی جز او و اهل او نیست. می بینم و شهادت می دهم که علی علیه السلام امیر المؤمنین، حجت اوست و نمایش آن
چیزی است که او می خواهد، همچنان که امام حسن و امام حسین و امام سجاد و

امام صادق و امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی و امام حسن عسگری علیهم السلام همه و همه حجّت او بوده و هستند، و تمام حرکات و سکنات و گفتار این ذوات مقدسه، ملائک و نمایش خواست خدا است.

(وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ)

و شهادت می دهم و با عمق جانم مشاهده می کنم که تو ای امام حاضر، و ای مخاطب امروزین من! حجّت خدایی و آنچه تو از ما می خواهی، همانی است که خدا از ما می خواهد و آنچه تو ما را از آن نهی می کنی، همانی است که خدا ما را از آن نهی کرده، تو حجّت خدا و نمایش توحید حضرت «الله» هستی، توحید خدا در جمال و جلال شما نمایان است و آینه تمام نمای محبوب جان همه انسان هایی.

حال ملا-حظه فرمایید که چگونه بر حقایق حقه شهادت می دهم که مورد نظر شما است، پس با من چون بیگانگان رفتار ننمایید.

معیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه با همه چیز

(أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ)

شما ابتدا و انتهای همه چیز هستید

ص: ۶۹

مثل نور که تا نور نباشد، چیزی دیده نمی شود، در رؤیت هر چیز، اول نور، رؤیت می شود و سپس آن چیز، و در انتها هم باز نور به آن چیز می خورد و همان نور در چشم ما منعکس می گردد. حقیقت ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام نیز از همین قرار است که اولین پرتو خلقت آن هایند، چراکه از یک جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (۱) یعنی؛ اولین چیزی که خداوند خلق فرمود، نور من بود. از طرف دیگر علی علیه السلام در رابطه با مقام اهل البیت علیهم السلام می فرماید: «... كُنَّا وَاحِدًا، أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَ كُنَّا مُحَمَّدًا فَلَا تَتَفَرَّقُوا بَيْنَنَا...» (۲) یعنی؛ ما اهل البیت، از خود رسول الله صلی الله علیه و آله تا آخرین ما، همه در یک مقام هستیم و نباید بین ما جدایی قائل باشید. پس عنایت داشته باشید همان طور که اولین نور، نور محمدی صلی الله علیه و آله بود و به یک اعتبار نور اهل البیت، آخرین نور نیز نور اهل البیت علیهم السلام خواهد بود، به همین جهت حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ...» (۳) یعنی؛ آخرین کسی که از این دنیا رخت برمی بندد امام است.

ص: ۷۰

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۷.

۲- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۷۶.

۳- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۱.

با داشتن چنین معارفی است که به شما ذوات مقدسه معصومین خطاب می‌کنیم: «أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ»؛ شما ابتدا و انتهای همه چیز هستید، که البته این سخن، معارف زیادی به همراه دارد که بنده نمونه‌ای از آن را عرض کردم، وقتی خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن است، انسان کامل به اولیت خداوند، اول است و به آخریت خداوند، آخر است و به ظاهریت خداوند، ظاهر است و به باطنیت خداوند، باطن است، چون به مجردیت خداوند، مجرد است؛ و به معیت خداوند با هر چیز، آن‌ها هم با هر چیز هستند، چون هر که مجردتر است، حاضرتر است منتها تجرد حضرت حق به خود اوست و تجرد کامل امام زمان عجل الله تعالی فرجه و ائمه علیهم السلام به خداوند است. باز معانی دیگری از اول و آخر بودن ائمه علیهم السلام مطرح است که باید در جای دیگر و با مقدمات مستوفی مطرح شود.

توجه به رجعت، عامل نجات از ظلمت

(وَ أَنْ رَجَعْتُمْ حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا).

ما معتقدیم که رجعت و بازگشت شما که برگشت عدالت و معنویت کامل است، حق و حتمی است، در آن شرایطی که به نور شما همه مرزهای ایمان و کفر مشخص شده است و آن هایی که مؤمن به ظهور چنین شرایطی نشده اند و ایمان خود را فعال نگه نداشته اند تا به خیری نایل شوند، در آن شرایط دیگر فرصت را از دست داده اند، چراکه هر انسانی با حداقل ایمان به راحتی می تواند بفهمد خداوند به ظلمات آخر الزمان راضی نیست و هرگز نمی پسندد ظالمان عنان جهان را به دست گیرند و بر مظلومان هر چه می خواهند تحمیل کنند. (۱)

راستی؛ کسی که این حداقل شعور را ندارد و انتظار هیچ فرجی را نمی کشد و به ظلمات آخر الزمان تن داده، می تواند خود را در جبهه اهل انتظار - با آن همه شعور و آینده نگری که برای اهل انتظار هست - قرار دهد؟!

هم دلی با امام

(وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ

ص: ۷۲

۱- در رابطه با چگونگی رجعت و دلیل بر حقانیت آن می توانید به سخنرانی مؤلف در مورد «رجعت» رجوع فرمایید.

الصِّرَاطَ حَقًّا وَالْمِرْصَادَ حَقًّا وَالْمِيزَانَ حَقًّا وَالْحَشْرَ حَقًّا وَالْحِسَابَ حَقًّا وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقًّا

من با تمام وجود و در منظر قلب و عقل خود می بینم که مرگ به معنی ادامه حیات پس از این دنیا و ملاقات با دو ملک نکیر و منکر، حق و حتمی است و بهترین نوع وقوع است، همچنان که نشر و گشوده شدن صحیفه اعمال، و بعث و برانگیخته شدن در حشر و روبه رو شدن با صراط، حق است و شدنی، و بهترین نوع وقوع، همین نوع است که واقع می شود، همچنان که «مرصاد» و کمینگاه، حق است تا زیبایی عدل به عالی ترین شکل آن ظاهر شود و نیز میزان و حساب و حشر و بهشت و جهنم و وعده های به نیکوکاران و وعید به گناهکاران، همه حق است و شدنی و چه زیبا شدنی.

پس ای مولای من! ملاحظه می فرمایید با چنین اعتقاداتی قلب من آن چنان هم از شما جدا نیست که شایسته عنایت و نظر مبارک شما نباشد. به ما گفته اند:

تو

چه دانی صدای مرغان را

که

ندیدی شبی سلیمان را

می دانم باید بین من و شما سنخیتی باشد تا به شرف نظر مبارک شما نایل گردم، حال این عقاید من است و این هم امیدواری ام به توجه شما.

ص: ۷۳

ما هم از مستان این می بوده ایم

(يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَمَّ الْفَكْمَ وَ سَيَّعَدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٍّ مِنْ عِدْوِكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَشْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ)

ای سرور من پذیرفته ام با ولایت و برنامه ریزی شما روزگارم را بگذرانم! آن کس که مخالف شماست، بدبخت شد و آن کس که پیرو شما شد، سعادت مند گشت، پس تو را گواه می گیرم بر این موضع گیری ام که من دوستدار شما هستم و از مخالف شما متنفرم، حق آن است که شما به آن راضی هستید و باطل آن است که شما از آن ناراضی باشید، معروف و نیکویی همانی است که شما به آن امر می کنید و منکر و ناپسندی آنی است که شما آن را نهی می فرمایید.

در این فراز؛ قصه توجه به تعادل مطلق امام عصر علیه السلام را تمرین می کنی تا بفهمانی اهل کدام قوم و قبیله ای. گفت:

ما

هم از مستان این می بوده ایم

عاشقان

در گه وی بوده ایم

نام

ما بر مهر او بریده اند

ص: ۷۴

او در جان ما کاریده اند

ای مولای من! دلم در هوای شماست و از آن کس که مهر مهر شما را ندارد بیزارم، هر که می خواهد باشد، دلی که سراسر به سوی شما نباشد دل نیست، چقدر خوش بخت و خوش وقتم که راضی ام به آنچه شما راضی هستید. این خوشوقتی به جهت آن است که شما را ملاک حق و باطل یافتیم، و دل من در هماهنگی با جان شما است.

هر

دل که او نخفت شبی در هوای تو

چون

روز روشن است و هوا زو منور است (۱)

آری؛ آن دلی که در هوای شما شب نخواید، روز را از نور خود منور می گرداند، حال چگونه من از هماهنگ کردن این دل با شما دست بردارم؟!

برکات حضور امام علیه السلام در زندگی

(فَنفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرُكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ)

ص: ۷۵

ای مولای من که برنامه ریزی جان و قلب و زندگی ام را با دستورات شما تنظیم کردم! به شما عرضه می دارم که جان من به خدای یگانه، مؤمن است و در مسیر دینداری به «توحید» نائل شده ام، به طوری که در حضور مطلق حضرت «الله» و در تدبیر او و در فرمان او، احدی را در عرض او نمی دانم و نمی بینم، و نیز به رسول او صلی الله علیه و آله مؤمن هستم و می بینم که در سرتاسر کلام و حرکات او ظهور یگانگی خداست، رسول اوست و از او می گوید، و به امیر المؤمنین و به شما فرزندان آن حضرت از اول تا آخر مؤمن هستم، رسیده ام به جایی که قلبم شماها را تصدیق می کند، همه شما وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله هستید که از طرف خداوند برای تبیین حقیقت انتخاب شده اید، اگر دستی بر زمین دارید و به زمینیان اشاره می کنید، دستی هم بر آسمان دارید و از عالم معنا می گیرید، من شما را صحیح ترین، بلکه تنها جریان صحیح در میدان معارف بشری می بینم و بر این امر بسیار مفتخر و شادم.

خاک

بودیم این چنین موزون شدیم

خاک

ما زر گشت، سیمین جان شدیم

راستی؛ اگر شما نبودید ما چگونه می توانستیم در مسیر تعادل قرار گیریم، اگر امروز با تمام دلگرمی زندگی را ادامه می دهیم، چون شما را در میدان زندگی خود یافته ایم.

ص: ۷۶

امروز

شهر ما را صد رونق است و جان است

زیرا

که شاه خوبان امروز در میان است

حیران

چرا نباشد، خندان چرا نباشد

شهری

که در میانش، آن صارم زمان است

زان

آفتاب خوبی، چون بر زمین بتابد

آن

دم زمینِ خاکی بهتر ز آسمان است (۱)

حال ای آفتاب های خوبی! ای اوصیاء رسول خدا صلی الله علیه و آله! یاری و ارادتم در خدمت شما است، دستی که شما را یاری نکند، معنی دست بودن را گم کرده است و دلی که موذت شما را در خود نپرورانده باشد، دیگر دل نیست، پس خدایا! آن یاری و نصرت و این موذت و ارادت را نسبت به این ذوات مقدس از ما بپذیر و به نتیجه برسان، آمین آمین!

عالی ترین تقاضا، در اوج امیدواری

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَيِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صِدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ النَّبِيَّاتِ وَ عِزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ

ص: ۷۷

وَلَسِيَّانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ البصائرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصِيرِي نُورَ الضياءِ وَ سَمْعِي نُورَ الحِكمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الموالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْقَاكَ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ [رَحْمَتِكَ] يَا وَلِيَّيَّ يَا حَمِيدُ

خدایا! از تو می خواهم که صلوات و رحمت خود را بر محمد صلی الله علیه و آله آن پیامبر رحمت و کلمه نورت، ارزانی داری، و در این راستا و با واسطه فیض بودن او، قلبم را از نور یقین مملو کنی و سینه ام را به نور ایمان و فکرم را به نور نیت، و تصمیمم را با نور علم و قوتم را با نور عمل و زبانم را با نور صدق و دینم را با نور بصیرت که در نزد تو است، و دیده ام را با نور روشنگر و گوشم را با نور حکمت و ارادتم را با نور دوستی به محمد و آل او علیهم السلام پُر کنی، تا از آن هایی باشم که هنگام ملاقات با تو به عهد و میثاقی که با تو بسته ام، وفا کرده باشم و در نتیجه در آن حالت ناب ابدی، سراسر وجودم از رحمت تو پوشیده گردد، ای شایسته ترین سرپرست!

می گویند؛ وقتی حضرت زکریا علیه السلام با حضرت مریم علیها السلام ملاقات کرد و در کنار او میوه های بهشتی دید، ناگهان متوجه

قاعده ای شد که خدایا! این اندازه کرمت گسترده است که برای دختری تنها در این گوشه، میوه های بهشتی می فرستادی، چرا من هم بیش از آنچه به من لطف کرده ای از تو نخواهم و چرا آرزوهای بلند خود را با تو در میان نگذارم و لذا تقاضای فرزندی چون حضرت یحیی علیه السلام را نمود. (۱)

از اول دعا تا این جا چشم دل باز کردی و به خوبی های بهترین خوبان نظر نمودی و متوجه شدی چه غوغایی است زندگی با خوبان عالم و به آن ها اظهار داشتی که سراسر وجودم هماهنگ با شما و در اختیار شما است و از خدا خواستی در این ادعا موفقیت بدارد، حالا یک مرتبه مانند حضرت زکریا علیه السلام قلب را به سوی خدا انداختی، و هر آنچه خواستی است و بلندترین آرزویی است که یک انسان می تواند داشته باشد را از خدا خواستی، چون یک نظر به وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام انداختی و یک نظر به رحمت واسعه خدا که تمایل این همه فیض دادن را به بندگانش دارد و گفتی: «اللَّهُمَّ... أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ...» خدایا! بیا و قلبم را سراسر از نور یقین لبریز کن، و بقیه آنچه در این فراز بر زبان آوردی را گفتی، تا آن جا که امیدوار شدی بگویی: «حَتَّى

ص: ۷۹

۱- به آیات ۲ تا ۱۳ سوره مریم مراجعه فرماید.

أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ...» خدایا! تا آن جا مرا جلو ببر که در موقع ملاقات با خودت توانسته باشم به همه آنچه باید به آن وفا کنم، وفا کرده باشم. آری؛

بر

گوش ما نهاده دهان او به دمدمه

تا

جان ما بگیرد، یک باره بوی دوست

حال که ذوات مقدس معصومین علیهم السلام را به نمایش گذاشتی و از جمال آن ها بوی تو به مشام خورد، پس در رساندن ما به یقین و علم و صدق و بصیرت و وفای به عهد با خودت دریغ مکن، که ما سخت امیدواریم، چرا که اگر می خواستی ندهی، نشانمان هم نمی دادی تا با طلب آن رفع گرسنگی کنیم. گفت:

من

کریمم، نان نمایم بنده را

تا

بگریاند طمع آن زنده را

هر

کراماتی که می جویی به جان

او

نمودت تا طمع کردی در آن

حال ما طمع به دست آوردن زیباترین ارتباط با تو را نموده ایم، آن ارتباطی که در امامان علیهم السلام به ما نشان دادی.

بر عاشقان فریضه بود جستجوی دوست

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ [مُحَمَّدٍ] حُبِّكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ الدَّاعِيَ إِلَيَّ سَبِيلِكَ وَ

الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ النَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَ لِئِى الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّى الظَّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ
التَّامَّةِ فِى أَرْضِكَ الْمُزْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَيَفِينَهُ النَّجَاهِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ
مُجَلِّى الْعَمَى [الْغَمَاءِ] الَّذِى يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای خدا! درود و رحمت فراوانت را بر حجت خود [مُحَمَّد] عجل الله تعالی فرجه ارزانی دار - آن امام غایبی که هم اسم با
رسول خدا صلی الله علیه و آله است - هم او که حجت تو در زمین و خلیفه تو در شهرها و دعوت کننده به سوی راه تو است،
هم او که قیام کننده به قسط بوده و به فرمانت انقلاب خواهد کرد، یاور و سرپرست و دوست مؤمنان، و ویران کننده کافران، و
روشنی بخش ظلمت و روشنگر حق، و نمایاننده حکمت و درستی است، هم او که عامل ظهور سنت و کلمه تو در زمین است،
هم او که سخت مواظب تجاوزکاران بوده و لذا از این جهت خائف و نگران است، آن سرور و سرپرست خیرخواه،

آن سفینه نجات و پرچم هدایت و نور چشم خلائق و بهترین کسی که پیراهن و رداء - امامت - را به بر کرد، زداینده کوری و گمراهی، آن کسی که زمین را از عدل و قسط پر می کند، در حالی که ظلم و بیداد سراسر آن را گرفته، که تو در سرازیر کردن صلوات و رحمت بر او قادر و توانایی، چون بر هر چیزی قادر و توانایی! یافتن امام علیه السلام و توجه به اوصاف او کار بزرگی است که انسان نباید از آن غافل باشد. گفت:

بر

عاشقان فریضه بود جستجوی دوست

بر

روی و سر چو سیل، دوان تا به جوی دوست

خود

اوست جمله طالب و ما همچو سایه ها

ای

گفتگوی ما همگی گفت و گوی دوست

گاهی

به جوی دوست چو آب روان خوشیم

گاهی چو آب، حبس شدیم

در سبوی دوست (۱)

حضرت را با کلماتی که در این فراز آمده وصف می کنی تا مشخص کنی انتظار آن حضرت را در سینه داری و چشم از وجود مبارک او برنداشته ای، به انتظار کسی هستی که کلمه تاّمه الهی در زمین است، حق را می نمایاند و ناطق به حکمت است، و هرگز بنا نداری دل از او برکنی و آن را به جای دیگر اندازی.

ص: ۸۲

امام زمان عجل الله تعالی فرجه ؛ مقصد جان ما

تا حالا از وجوه مختلف بر امام زمان علیه السلام نظر کردیم تا شوق انتظار ما نیز از وجوه مختلف باشد، و عنایت فرمودید که او امامی است دست یافتنی و برای همین به او سلام کردیم، یعنی می توان به او دسترسی داشت، چون او به جهت ذات مجردش و این که جان و حقیقت هر انسانی است، از ما به ما نزدیک تر است. این لیوان که در جلو من است از من دور است، چون در جان من نیست، ولی امام از ما به ما نزدیک تر است، چون به عنوان انسان کامل، جانِ جان ما است. فطرت شما نسبت به شما چه مقامی دارد؟ وقتی شما کاری را از روی هوس انجام دهید، یک نحوه جواب گویی به بدنتان است، ولی وقتی کاری الهی انجام دهید، جواب گویی به فطرتتان است و جانتان سیراب می شود، یعنی جان شما با کارهای الهی طراوت پیدا می کند، پس معلوم است کارهای الهی به جان ما نزدیک تر است تا کارهای هوس آلود. توجه بفرمایید که هر اندازه کار الهی تر باشد، به جان شما نزدیک تر است، چون مطابق فطرت است. فطرت، مقام اصلی جان ماست، از طرفی ما برای بندگی خلق شده ایم یعنی مقام نهایی ما، بندگی است و باید وجودمان به بندگی ختم شود. حال با توجه به این که مقام

امام زمان علیه السلام بندگی محض است، مشخص می شود جهت و مقصد جان هر انسانی وجود مقدس امام زمان علیه السلام است، در همین رابطه مولوی در دیوان شمس تبریزی می گوید:

چون

جان جان، وی آمد، از وی گریز نیست

من

در جهان ندیدم یک جان عدوی دوست

پس عنایت بفرمایید امام ما چقدر به ما نزدیک است، او همان فطرت مجسم و متعین است و لذا در عمق جان ما جای دارد. نزدیکی آن حضرت به جان ما، مثل نزدیکی لباس به تن ما نیست، نزدیکی خاصی است، مثل نزدیکی خدا به انسان که می فرماید از رگِ گردن به انسان نزدیک تر است. یکی ممکن است بگوید: اگر خدا به ما نزدیک است، چرا مثلاً وقتی گناه می کنیم، از ما دور می شود؟ آن نزدیکی که خدا به انسان دارد، نزدیکی وجودی است و در رابطه با حضور و وجود خداوند است و آن دوری که ما در اثر گناه نسبت به خدا پیدا می کنیم، دوری و فاصله ای است که به انتخاب ما مربوط است. خدا از نظر وجودی، به کافر و مؤمن از خودشان به خودشان نزدیک تر است، و لذا فرمود: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^(۱) یعنی؛ ما به او از رگِ گردن نزدیکتریم، چون رگ

ص: ۸۴

گردن از جان ما دور است و خدا با جان من با من ارتباط دارد، ارتباط من با تنم، ارتباط دوگانه است، چون به یک اعتبار، یک تن داریم و یک من، این ها دوتا است، آن یگانگی با خدا و امام علیه السلام یگانگی خاص است، حضور آن ها در عمق جان من و شما است. وقتی شما کاری الهی انجام می دهید، چه کسی احساس آرامش می کند جز خودتان؟ از طرفی آن کار الهی، ریشه در بندگی شما دارد، بندگی محض هم که امام زمان علیه السلام هستند، پس آنچنان نیست که امام علیه السلام از شما دور باشد. مهم این است که امامتان را از این منظر نگاه کنید، ان شاء الله امامتان را می بینید. به گفته مولوی:

بر

گوش ما نهاده دهان او به دمدمه

تا

جان ما بگیرد، یکباره بوی دوست (۱)

حضرت بنا دارند اگر ما گوش به ندای قدسی شان بدهیم، ما را از خودی و خودیت بگیرند و سراسر منور به نور بندگی خدا کنند. این دیگر در حد من و شما است که چقدر همت کنیم و نزدیکی امام علیه السلام را در جان خود احساس کنیم، آن نزدیکی که نزدیک تر از تن ما به ما است. پس اولاً؛ امام علیه السلام به ما نزدیک است، ثانیاً؛ مقصد جان است. ما باید به آن وجود قدسی نظر کنیم و دل در گرو او داشته باشیم و این دعاهای

ص: ۸۵

عزیز از جان عزیزتر که در رابطه با امام زمان علیه السلام می خوانیم، برای همین است، می خواهیم جهت جانمان به طرف آن حضرت بیفتد، و از بقیه چیزها روی دل را به سوی او برگردانیم و نگذاریم این نوع نگاه در ما از دست برود. اگر رسیدیم به این که امام، جانِ جان ما و تمام مقصد ما است، معلوم است که همه حجاب هایی که بین ما و اوست برطرف می شود، این شاء الله.

با

دوست ما نشسته که ای دوست، دوست کو؟

کو

کو همی ز نیم ز مستی، به کوی دوست

تصویرهای

ناخوش و اندیشه رکیک

از

طبع سست باشد و این نیست سوی دوست

خاموش

باش تا صفت خویش خود کند

کو

های های سردتو، کو های وهوی دوست (۱)

وقتی حجاب ها به همان طریقی که عرض شد کنار رفت و تمام مقصد جان ما امام زمانمان شد، دیگر ما باید خاموش شویم تا او خودش خود را بر قلب ما بنمایاند «خاموش باش تا صفت خویش خود کند!»

ص: ۸۶

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَوَالِدِيكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً)

خدایا! سلام و صلوات را بر او که ولی تو و فرزند اولیاء تو است ارزانی دار، فرزند آنانی که اطاعتشان را بر همه خلق واجب نمودی و رعایت حقشان را الزامی نمودی و هرگونه آلودگی را از ساحت قدسی شان زدودی تا پاک و مصون از خطا، موجب هدایت بندگان گردند.

خدایا! حال که ما را با چنین خانواده ای راهنمایی کردی، پس زمینه حضور هر چه بیشتر آن ها را فراهم نما، پس؛

(اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِديْنِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ)

در این فراز می خواهیم با خدا درباره امام زمان علیه السلام صحبت کنیم، تقاضا می کنیم:

خدایا! او را یاری کن و از طریق او دینت را یاری نما. با حضور هر چه بیشتر او و با ظهور او، دوستان خودت و او را و شیعیان و یارانش را یاری فرما و ما را نیز در زمره آنان قرار ده.

خدایا! خودت می دانی که وقتی ظلمت به اوج خود برسد و ظلماتِ آخر الزمان همه عقل ها را برباید، دوستان تو و شیعیان تو به تنهایی کاری از پیش نمی برند، یک نصرت و یاری نهایی نیاز است که از طریق آرمانی ترین انسان بتوانند ظلمات چند لایه آخر الزمان را پاره کنند.

تقاضای رفع موانع ظهور

(اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ)

خدایا! او را از شرّ هر ماجراجو و متجاوزِ حفظ کن و از شرّ جمیع خلقت حفظ فرما، او را از شرّ همه خطراتی که از چپ و راست و جلو و عقب ممکن است به او برسد، حفظ بفرما و نگهبانش باش و مانع باش از این که آسیبی به او برسد و در راستای حفظ آن حضرت در مرحله ظهور، سنت و سیره نورانی پیامبر و خاندان پیامبر را حفظ بفرما!

ظهور امام علیه السلام دوی درد بشریت است، مقصد جان همه آن ها است، قبله روح همه انسان ها است، خدایا! او را حفظ کن تا برنامه ها و نقشه های انسان های ستمگر مانع ظهور او نگردد. خدایا! هر خطری که ممکن است به او برسد و مانع تحقق برنامه های آن حضرت شود، خودت دفع کن، چون دیگر بشریت طاقت ندارد تلاش های آن حضرت به سرنوشتی دچار شود که زحمات علی علیه السلام دچار شد.

دعاها و تقاضاهای ما برای همین است که دیگر آن موانع مرتفع شود و زیباترین ظهور محقق گردد. قصه ظهور او، قصه ظهوری شود که دیگر جمال ماه منور او را هیچ ابری نپوشاند و در آن شرایط ما فریاد بزنیم:

او ماه

بی خسوف است، خورشید بی کسوف است

او

خمر بی خمار است، او سود بی زیان است

آن

شهریار اعظم، بزمی نهاد خرم

شمع

و شراب و شاهد، امروز رایگان است (۱)

احساس مسؤلیت نسبت به موفقیت امام علیه السلام

(وَ أَظْهَرُ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ قاصِمِيهِ وَ

ص: ۸۹

اقْصِمَ بِهِ جَبَابِرَةُ الْكُفْرِ وَاقْتُلَ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ
امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ

خدایا! به نور حضرت، عدالت را ظاهر فرما، تا هیچ کس از زمینه های تعالی محروم نگردد و با نصر و پیروزی خودت او را پیروز گردان، و یارانش را یاری و مخالفانش را خوار کن، کمر آن هایی که می خواهند کمر برنامه های نورانی آن حضرت را بشکنند، و کمر گردنکشان و کفار را بشکن، به نور و به قدرت و عظمت آن حضرت، همه کفار و منافقین و جمیع منکران را در هر کجای زمین که هستند، چه در دریا - در ناوهای جنگی - و چه در خشکی، به قتل برسان، به نور و همت آن حضرت، زمین را سراسر از عدل لبریز کن و به نور آن حضرت، دین پیامبرت صلی الله علیه و آله را به کامل ترین شکل بنمایان و مرا نیز در زمره یاران و پشتیبانان و تابعان و شیعیان آن حضرت قرار بده!

این نان و آب چرخ، چو سیلی است بی وفا

من ماهی ام، نهنگم و عُمانم آرزوست

ص: ۹۰

جانم

ملول گشت زفرعون و ظلم او

آن

نور روی موسیٰ عمرانم آرزوست

هر

چند مفلسم، نپذیرم عقیق خُرد

کان

عقیق نادر ارزانم آرزوست

گوشم شنید

قصه ایمان و مست شد

کوقسمِ چشم،

صورت ایمانم آرزوست(۱)

ما را سر آن نیست تا راضی باشیم در ظلمت ظالمان به سر بریم و چشم و دل خود را به زندگی کردن در کنار حاکمیت حضرت بقیه الله اعظم منصرف کنیم، این است که در فراز بالا از خدا می خواهیم:

منگر

اندر ما، مکن در ما نظر

اندر

اکرام و صفای خود نگر

خدایا! کرامت خاصی مرحمت فرما و اگر ما شایسته ظهور آن حضرت نیستیم، تو شایسته ای که با رحمت خاص خود، سبب ظهور آن حضرت گردی، ما این تقاضاها را رها نمی کنیم تا اولاً؛ تو به حق خود این دعاها، دعاهای ما را مستجاب گردانی، ثانیاً؛ این ها وسیله ای شود که با لطف و کرم خود، امام را و برنامه های او را حفظ بفرمایی تا آن نصرت نهایی محقق شود.

۱- کلیات شمس، غزل شماره ۴۴۱.

این تقاضا چندین نتیجه دارد؛ اولاً: قلبمان متوجه حفظ امام علیه السلام است و در حدّ توان خود را آماده می کنیم که در کنار آن خطرات، آن طور که باید جانفشانی کنیم، و به تعبیر دیگر؛ مصداق کسانی باشیم که در وصفشان می فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ» (۱) از آن هایی که یاور اویند و پیرو او و از آن هم مهم تر، ذوب در اویند، ثانیاً: شاید از این تأکیدهایی که در دعا می شود جهت حفاظت جان آن حضرت از طرف خداوند، بتوان این نکته را فهمید، ملّتی که نگران موفقیت امامش نیست، خدا آن ملّت را مفتخر به ظهور امام نخواهد کرد، لذا شما از خدا درخواست و التماس می کنید که خدایا! این امام را برای ما حفظ کن و تمام ابعاد شخصیتی او را هم حفظ بفرما تا بتواند برنامه هایش را عملی کند. در واقع یک نوع توجه روح و قلب است به امام و نقش جهانی او و احساس مسئولیت نسبت به برنامه های آن حضرت، تا ما صرفاً ناظری بی تفاوت نباشیم، و نتیجه اش این می شود که ما بتوانیم ارتباط قلبی مان را از این طریق با آن حضرت در همه ابعاد محکم کنیم و عرض کنیم:

ماه

کنعانی من، مسند مصر آن تو شد

ص: ۹۲

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

وقت آن است که بَدْرود کنی زندان را

و در انتها تقاضا می کنی:

(وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عِدْوِهِمْ مَا يَحِيدُونَ إِلَهَهُ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

خدایا! به من نشان بده در مورد آل محمد علیهم السلام آنچه آن ها در پی آن هستند و در مورد دشمنان آن ها نیز نشانم بده آنچه را که آن ها از آن فرار می کنند، ای معبود حق! مستجاب کن چنین تقاضایی را، ای صاحب جلال و بزرگی! ای ارحم الراحمین!

تقاضای تحقق تمدن اسلامی

در آخرین فراز این زیارت، زیباترین و مهم ترین چیزی که یک انسان مؤمن در دنیا می تواند بخواهد، مورد تقاضا قرار می گیرد که تقاضاکننده با روبه روشن شدن با آن مطلوب بزرگ، به اوج ایمان به خدا نایل می شود و به رؤیت سنت فوق العاده ای مفتخر می گردد، که عبارت است از رؤیت آنچه آل محمد علیهم السلام به دنبال آن بودند، یعنی ظهور تمام سنت های الهی در تمام روابط انسانی. یا به تعبیر دیگر، در این فراز اولاً تقاضای تحقق تمدن اسلامی به معنی واقعی را داری، ثانیاً می خواهی این

ص: ۹۳

قاعده مهمّ الهی را با چشم خود بینی که دشمنان اهل البیت، یعنی کافران واقعی، چگونه با چیزی روبه رو می شوند که با تمام تلاش می خواستند با آن روبه رو نشوند. خداوند در مورد فرعون و هامان و لشگریانش می فرماید: « وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (۱) یعنی؛ و نمایانندیم بر فرعون و هامان و لشگریانش آنچه را که از آن فرار می کردند. فرعونیان این همه اطفال را کشتند تا موسی علیه السلام به دنیا نیاید و حاکمیت آن ها را نابود نکند، ولی خداوند درست آن ها را با چیزی روبه رو کرد که از آن فرار می کردند و این سنت خداست و چه زیبا سنتی!

حالا- تقاضا می کنی: نه در محدوده کار حضرت موسی علیه السلام، بلکه به وسعت حاکمیت جهانی حضرت مهدی علیه السلام چشم ما را به چنین سنت زیبایی روشن بفرما، تا با چشم خود بینیم این همه تلاش کردند تا حاکمیت امام معصوم علیهم السلام در صحنه تاریخ ظاهر نشود، حالا دشمنانشان درست با چیزی روبه رو می شوند که از آن فرار می کردند.

ثالثاً؛ تقاضای تحقق تمدن اسلامی، تقاضای ساده ای نیست که فکر کنیم شاهد و نمونه ای در گذشته تاریخ می توانیم برای

ص: ۹۴

آن در نظر بگیریم. در بحث «شیعه و تمدن زایی»^(۱) تلاش شده است حتی الامکان تصور ضعیفی از فضای آن تمدن ترسیم شود. در نظر بگیرید میدان دار نظام آموزشی و سیاسی و اقتصادی جامعه امامی باشد که واسطه فیض بین ارض و سماء است، در آن شرایط حالتِ حضوری و قلبی، سراسر زندگی را فرا می گیرد، ولایت و محبت و ولایت و حاکمیت، متحداً در یک نفر محقق می شود، و لذا ظاهر و باطن انسان در اطاعت انسانی قرار می گیرد که متذکر جان و فطرت و اصل اصیل انسان ها است و ولایت و حاکمیت او انعکاس حکم محبوب حقیقی، یعنی خداست. در چنین شرایطی باطن انسان از طریق سینه مولای معصوم به نور هدایت حضرت ربّ منور می گردد و حقیقتِ سنّتِ «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛^(۲) صورت اجتماعی به خود می گیرد، همه چیز در آن تمدن، انعکاس عالم ملکوت است و ظهور نیشیتانی است که انسان را از آن جا بریده اند و هزار و چهارصد سال است نگذاشته اند آن تمدنی که شرایط اُنس با عالم قدس است، ظهور یابد. حالا در فراز آخر چنین چیزی را تقاضا می کنی و

ص: ۹۵

۱- به نوشتارهایی که در همین رابطه تدوین شده رجوع فرمایید.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۷.

می‌گویی: «وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ» به من نشان بده آنچه را آل محمد در پی تحقق آن بودند، بعونک و رحمتک یا الرَّحْمَ الرَّاحِمِينَ.

چنانچه ملاحظه فرمودید؛ سلام بر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه در هر کدام از زیارات، با کوهی از معارف و سلوک همراه است و باید با تأمل به آن‌ها پرداخت، اجازه دهید با طرح مقدمه زیارت آن حضرت در روز جمعه نظر شما را به آن جلب، و اصل آن را به فرصت دیگر موکول می‌کنیم.

باز سلامی دیگر

در زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه می‌خوانید:

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ)

سلام بر تو ای حجت خدا در زمین، و ای چشم خدا در بین خلقش!

چشم خدا در بین مردم به این معنی است که اگر خواستید خداوند به شما بی محلی نکند، باید در چشم امام زمان علیه السلام خوار نباشید. او حجت خدا در زمین است و ملائک رضایت و عدم رضایت خدا است، خواست او، همانی است که خدا از بندگانش می‌خواهد و چشم خدا است در بین خلقش، تا

انسان‌ها بتوانند از منظر توجه به وجود مقدس آن حضرت با اسرار الهی آشنا شوند و هم خود را در زیر نظر مبارک آن حضرت احساس کنند و زیر نظر آن حضرت خود را پیورانند. چرا که بنا به فرمایش آیت الله الهی قمشه ای:

تا

نگشاید حجاب آن مه مکی نقاب

بر

رُخ ما عاشقان، کس نگشاید دری (۱)

اگر خواستی دری بر قلبت گشوده شود، ابتدا باید حجت خدا در زمین که چشم الهی در بین خلق است، بر تو نظر کند و لذا سلام بر او می کنی تا او با لبیک خود حجاب بین ما و خود را برطرف نماید.

امام علیه السلام مظهر اسم هادی

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ)

سلام بر تو ای نور خدایی که هر کس بخواهد هدایت شود از طریق آن نور که در نزد تو است هدایت می شود!

نور امام معصوم علیه السلام نور هدایت به سوی خدا است، باید اوّل مقام و جایگاه امام علیه السلام را بشناسیم، بعد به خوبی متوجه

ص: ۹۷

شویم که حیّ و حاضر و زنده و قابل ارتباط است، بعد هم این طور با ایشان که در این سلام مطرح است حرف بزنیم و نظر کنیم به جنبه الهی آن حضرت که موجب هدایت هر طالب هدایتی می شود، بگوییم:

ای

جانِ جانِ جانان، از ما سلام برخوان

رحم

آر برضعیفان، عشقِ تو بی امان است

این کار را نکنیم، چه کار کنیم؟ آیا بهترین راه توجه به حقیقت نورانی امام همین نیست که او مظهر هدایت الهی است؟ او مقصد هستی است، مقصد جان انسان ها است. پس باید دل را متوجه او کرد، آن هم توجهی خاص که در این سلام مطرح است.

خواستیم توجه عزیزان را به انواع زوایایی که باید به وجود مقدس حضرت انداخت، جلب کنم، وگرنه خود این سلام، معارفِ عالیه ای در نهان خود دارد که باید در فرصت دیگر و به توفیق الهی به آن پردازیم، همان طور که علاوه بر این دعا، دعای ندبه توجه خاص به وجود مقدس حضرت می اندازد. دعای ندبه یک دایره المعارف از معارف شیعه است.

معارف شیعه خیلی عمیق است. ائمه ما علیهم السلام می فرمایند: معارف ما مثل قرآن هفتصد بطن دارد، بحث امام زمان علیه السلام از آن معارف عمیق نهفته در مکتب شیعه است و نباید انتظار

ص: ۹۸

داشت با مباحث سطحی بتوان به آن دست یافت. خدا به من و شما توفیق دهد که از طریق دعای عزیز ندبه؛ یکی مبانی دقیق و عمیق تشیع را به قلبمان برسانیم و از جهت دیگر علاقه و توجه خود را به مقام عظمای امام زمان علیه السلام آن طور که باید و شاید اظهار داریم.

شب پانزده شعبان، نور علی نور

عزیزان باید در یک کار پیگیر، موضوع تشیع و امامت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دنبال کنند، فقط در حد پانزده شعبان مسئله متوقف نشود. آری؛ شب پانزده شعبان شب بسیار مهمی است، هم به اعتبار خودش که شب پانزدهم شعبان است و هم به اعتبار تولد وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه.

تولد امام زمان علیه السلام و نیمه شعبان دو چیز است که با هم ترکیب شده است، مثل شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان. آن شب در عین این که یکی از شب های قدر است، شب شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم هست، لذا قبل از این که امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شوند، باز شب بیست و یکم ماه رمضان شب قدر بود. بله شب پانزده شعبان یکی از شب های مبارکی است که قبل از تولد حضرت صاحب الزمان علیه السلام

مورد بحث بوده است، پس باید کاری کرد که شب پانزده شعبان از دست نرود.

همان طور که نزول قرآن، شب قدر و روز قدر را مبارک می کند، نزول ثقل دیگر از ثقلین یعنی قرآن ناطق، در شب پانزده شعبان، شب و روز نیمه شعبان را مبارک می گرداند و آن شب بستر فوران غفران الهی می گردد. چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنَ الشَّعْبَانِ مَنْ خَلَقَهُ بِقَدْرِ شَعْرِ مِغْرَى بَنِي كَلْبٍ»^(۱) یعنی؛ خداوند در شب نیمه شعبان به اندازه موی بزهای بنی کلب بندگانش را می بخشد. پس آن شب، شب تلاش برای قرب به خدا است. چون شبی است که خداوند قسم یاد کرده است، هیچ سائلی را محروم نگرداند. شب تعیین سرنوشت ها است، «... فِيهَا يَكْتُبُ آجَالَ وَ فِيهَا تَقْسِمُ الْأَرْزَاقُ ... وَ يُنَزِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَهَ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا وَ إِلَى الْأَرْضِ بِمَكَّهَ»^(۲).

کمیل می گوید: به اتفاق جمعی در مسجد بصره خدمت علی علیه السلام نشستیم. شخصی پرسید: منظور آیه «فِيهَا يُفْرَقُ

ص: ۱۰۰

۱- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۶.

۲- بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۹.

کَلِّ امرِ حکیم» (۱) که در آن شب، هر امر حکیمی گشایش می یابد، چه شبی است؟ حضرت فرمودند: شب نیمه شعبان، قسم به کسی که جان علی در دست اوست، کسی نیست مگر این که آنچه تا آخر سال از خیر و شرّ بر او جاری می شود در این شب رقم می خورد. بنده ای نیست که آن را زنده نگهدارد و دعای خضر را در آن بخواند، مگر آن که به اجابت می رسد.

کمیل می گوید: سپس من به خانه حضرت رفتم و تقاضای آموختن دعای خضر را کردم. فرمود: بنشین، وقتی این دعا را حفظ کردی، در هر شب جمعه، یا یک بار در ماه، یا سالی یک بار، یا در عمرت یک بار بخوان که از جانب خدا یاری خواهی شد و خدا رزقت را خواهد رساند و مشمول مغفرت او خواهی شد. (۲)

خدا إن شاء الله کمیل را رحمت کند که، علت ورود این دعا از طریق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ما شد. پس اولاً؛ ارزش شب نیمه شعبان از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام هم مورد بحث بوده است و باید آن شب را تجلیل کرد. و بعد هم چنانچه ملاحظه می کنید، می فرماید این شب شبی است که

ص: ۱۰۱

۱- سوره دخان، آیه ۴.

۲- اقبال الاعمال، ص ۲۲۰، فی بعض ادعیه النّصف من شعبان.

خصوصیات خاص خود را دارد. ثانیاً؛ با تولد وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نور علی نور شده و با نظر به مقام قدسی حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه زمینه ارتباط با خدا شدیدتر گشته است و عملاً می توان از برکات شب پانزده شعبان استفاده بیشتری کرد.

نکته دیگری در رابطه با اعمال شب پانزدهم شعبان در مفاتیح هست و آن زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام است. اگر دقت بفرمایید عموماً یکی از اعمال شب های قدر زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام است، تا در بهترین زمان ها و در بهترین شرایط ارتباط با خدا - که آن کنار حرم حضرت اباعبدالله علیه السلام بودن است - واقع شویم و یا به عشق حضور در حرم مطهر آن حضرت، در هر جا که هستیم، آن زیارت را بخوانیم. در رابطه با زیارت آن حضرت در این شب، دو روایت خیلی عجیب ذکر شده است؛ یک روایت می فرماید: هر که می خواهد با او، روح صدویست و چهارهزار پیامبر مصافحه کند، حضرت اباعبدالله علیه السلام را زیارت کند، در واقع این شب آن قدر ظرفیت دارد که اگر کسی حضرت اباعبدالله علیه السلام را زیارت کند، روحش آماده می شود تا با روح صدویست و چهارهزار پیامبر تماس داشته باشد.

و در روایت دیگری هست که زیارت آن حضرت، موجب آمرزش گناهان می شود، و در واقع این دو روایت هماهنگی

دارند، چون وقتی گناهان انسان آمرزیده شد و به روح اهل عصمت نزدیک شد، آماده تماس با پیامبران خدا خواهد گشت. اعمال دیگری هم از طریق ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که مرحوم شیخ عباس قمی «رحمه الله علیه» در مفاتیح جمع آوری کرده است، در حدّ امکان از انجام آن خود را محروم نکنید.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه منتظر آمادگی ما هستند

سؤال: چه نوع خطرهایی امام زمان را تهدید می کند که در دعا از خدا تقاضا می کنیم خدایا او را از شرّ هر ماجراجو و متجاوزی حفظ کن؟

جواب: همان خطرهایی که الان مانع ظهور امام زمان علیه السلام هست، و امام علیه السلام را تهدید می کنند که نتوانند برنامه های خود را اجرا کنند و خطر این که آن حضرت به قتل برسند و مسئولیتی که به عهده آن حضرت است خوب انجام نگیرد. خود حضرت می فرمایند: پدرم به من وصیت کرده که خود را از منظر مردم دور نگهدارم،^(۱)

چراکه خطر آن حضرت را تهدید می کند. به گفته آیت الله الهی (برادرِ

ص: ۱۰۳

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۵، چاپ کتاب فروشی اسلامیه.

علامه طباطبایی «رحمه الله علیه»: «ظهور انفرادی، زمینه ظهور اجتماعی است، و گرنه اگر امت آماده نباشند و او بیاید، همان بلایی سرشان خواهد آمد که بر سر یازده معصوم دیگر آمد.» (۱) پس ملاحظه می فرمایید که آن حضرت منتظر آمادگی ما هستند، منتظر این که دل ها و دست های ما آماده پذیرش و دفاع از آن حضرت شود.

چرا الآن امام زمان عجل الله تعالی فرجه به طور معین و مشخص ظاهر نیستند؟ برای این که ما این دعاها را با تمام وجود قبول نکرده ایم که جزء مرام و زندگی ما شود. خطرهایی که امام علیه السلام را تهدید می کند، همان خطرهایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله را تهدید کرد، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد کشته شده بودند، چه می شد؟ به آن حضرت ضرر نمی خورد، ولی مسئولیت ایشان ناقص می ماند و لذا با نهایت تلاش، خودشان را حفظ کردند و دوزره روی هم پوشیدند و بر عمامه شان کلاه خود گذاشتند، و بالأخره ماندند و ماندند تا این دین ادامه پیدا کرد و کامل شد. خود حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در حفظ خود تلاش می کردند، و اگر امام زمان علیه السلام را در همان ابتدا شهید کرده بودند، الآن بشر چه کار می کرد؟ پس همت من و شما را می طلبد تا آماده دفاع از امام

ص: ۱۰۴

زمانمان باشیم و از خدا بخواهیم کمک کند تا این شاء الله آن نتایج کامل را به دست آوریم. در واقع با این دعاها به خدا می‌گوییم هم خود خداوند کمک کند در حفظ آن حضرت و در تحقق برنامه های او، و هم به ما آمادگی آن کارها را بدهد. اگر ما بخواهیم خدا کسی را حفظ کند دعا می‌کنیم، در این دعا به خدا عرض می‌کنیم که هم خودمان آماده ایم از آن حضرت دفاع کنیم و هم از تو می‌خواهیم که ماوراء توان ناقص ما، خودت آن حضرت را حفظ کن. به یک اعتبار هم در این دعاها ما نظر به جانِ جانمان انداخته ایم تا با خدا صحبت کنیم، که خدایا ما ایستاده ایم تا از امام زمانمان دفاع کنیم؛ یکی از راه های دفاع هم همین است که از خدا بخواهیم که کمک کند که امام زمان علیه السلام حفظ شود. مگر شما، امام خمینی «رحمه الله علیه» بنیان گذار انقلاب را دعا نمی‌کردید، تا امام «رحمه الله علیه» توانست راه را به اینجا برساند؟ پس دعا برای امام زمان علیه السلام کردن، زمینه می‌شود تا خداوند تدریجاً فیض خود را به مردم برساند و مردم آماده پذیرش فیض نهایی ظهور شوند و بتوانند امام را درست بپذیرند.

«والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ»

ص: ۱۰۵

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده

معرفت النفس و الحشر (ترجمه و تنقیح اسفار جلد ۸ و ۹)

گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی

علل تزلزل تمدن غرب

آشتی با خدا از طریق آشتی باخود راستین

جوان و انتخاب بزرگ

روزه ، دریچه ای به عالم معنا

ده نکته از معرفت النفس

ماه رجب ، ماه یگانه شدن با خدا

کربلا، مبارزه با پوچی ها

زیارت عاشورا، اتحادی روحانی با امام حسین علیه السلام

فرزندم این چنین باید بود (نامه حضرت علی به امام حسن علیهم السلام - نهج البلاغه، نامه ۳۱)

فلسفه حضور تاریخی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه

مبانی معرفتی مهدویت

مقام ليله القدری فاطمه علیها السلام

از برهان تا عرفان (شرح برهان صدیقین و حرکت جوهری)

جایگاه رزق انسان در هستی

فرهنگ مدرنیته و توهم

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

